

العموم را ذکر کرده و اینجا ذکر نکرده است و مدعی العمومی را باید موافق قانون مجلس انتخاب کنند پس عقیده بنده این است که ماده ۱۲ همانطوریکه وزیر پیشنهاد کرده است همانطور نوشته شده بود آن ماده را که بکسی چون پیشنهاد کرده است چون تفسیر آن ماده است چهاردهم قرار داده شود.

فهم الملک - ماده ای را که وزیر نوشته است اگر در نظر آقا باشد در اینجاست خیلی مذاکره شد عجالتاً از این دو ماده اینطور مفهوم میشود اول اینکه اعضائی را که مجلس انتخاب میکند عبارت است از رئیس کل و رؤسای محاکم و مستشاران و همچنین درجه اول و درجه ثان و مدعی العموم را معین میکند و درجه و مرتبه شان را هم معین میکند دیگر اینکه معلوم میکند که این عهد را مجلس شورای ملی باید انتخاب کند فرضا چهل تا چهل و پنج نفر انتخاب میکند بعد از آن مذاکره شد که سمت اینها را باید مجلس معین کند بادولت حالا گفته شد که سمت و تعیین آن نباید باختیار وزارت مالیه باشد و بالاخره اکثریت برای این بود که تعیین سمت اشخاص از طرف وزارت مالیه نباشد باید اختیار سمت آنها بدست خودشان و بدست مجلس باشد اگر تمام میگرداشتند مجلس اسباب اشکال میشد بعد آنها از میان خودشان رئیس کل و عدلای را که باید انتخاب کنند انتخاب میکنند از نما کرات در کمیسیون اینطور صلاح شد که در همین ماده هم عهد معین شود و هم طرز تعیین سمت آنها این بود که گفته شد یک نفر رئیس کل و سه نفر رؤسای محاکم و ۱۸ نفر بدست عضویت و آن ۱۸ نفر با آن ۲۲ نفر میشود ۶۰ نفر بدست مستشاری انتخاب میکنند و مابقی بدست معین می شود خواهند شد ولی مدعی العموم بطوریکه هم در شور اول و هم در کمیسیون مذاکره شد یک کسی است که از طرف دولت مدافعه کند پس اختیار تعیین او هم از طرف دولت است و در دیوان محاسبات نباید یک عضویتی داشته باشد ترتیب تعیین مدعی العموم از طرف دولت و بوجب فرمان هایونی خواهد بود.

حاجی آقا - بنده در آن ماده دویم عرض داشتم و فرست نشد که عرض خودم را بکنم و رای گرفته شد ما در قانون اساسی یک ماده داریم که اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی انتخاب میکند این را نمیتوانیم تغییر بدیم بجهت اینکه این کلی مسلم است باید اعضا این کسانیکه سمت عضویت دیوان محاسبات را دارند رسمیت بدیم بنده در ماده دویم عرض کردم که عرض خودم را مگر میکنم که همانطوریکه معین از اعضا محسوب است همانطور هم مدعی العموم محسوب است دلیل آنهم اینکه هر وقت خواستیم یک حکمی برای دیوان محاسبات بنویسیم که مدعی العموم داخل در آن نبوده از مخرج معترم که مدافعه میکند سؤال میکنم که میزان عضویت برای دیوان محاسبات برای محاکمه چیست ما آن میزان را اگر بدست میآوریم میدانستیم که حق مجلس است که انتخاب مدعی العموم کند باحق مجلس نیست زیرا حکم کلی او همان است که در قانون اساسی نوشته است و ما را دردی که فرمودند معیر معترم از عرض بنده که میزان عضویت مدخلیت داشتن در رای است و در فرمودند که محاسبات هم ممکن است رای داشته باشد بنده عرض میکنم میزان هم

هیچ رای ندارند و چون آراء معین ممکن است اثری در محاکمه داشته باشد باین جهت همان اندازه از اعضای دیوان محاسبات محسوب میشوند والا حق دادن رای ندارند همانطور که مدعی العموم حق رای ندارد اما اثر دارد عقیده او پس با بنواسطه که رای او اثر دارد یک چیزی را که پیشنهاد میکنند اظهار عقیده میکنند ممکن است همان زمینه برای محاکمه بشود باین جهت است که اگر آنرا ما میزان گرفتیم مدعی العموم باید از اعضای دیوان محاسبات محسوب شود و اگر از اعضای دیوان محاسبات محسوب شود ما بمحکم قانون مجبوریم که حتماً از مجلس انتخاب کنیم ولی چون قانون اساسی یک حکمی کرده است و ما مجبوریم که قانون اساسی را جاری کنیم و در اینموقع نباید گفت که محاکم مبادا برخلاف قانون اساسی کرده باشیم بمرتبه اضطراراً بدون اینکه تأمل و دقتی بکنیم که یک کاری کرده باشیم که بعداً رفته باشیم که مدعی العموم از طرف دولت دفاع کند بنده عرض میکنم این حرف هم باز درست تمام نیست بجهت این که ممکن است که بگوئیم مدعی العموم از طرف صاحب جمع دفاع بکنند بجهت اینکه یکدفعه اگر صاحب جمع محکوم شد بیک خطائی ممکن است متصل مدعی العموم بشود از دفاع کند و اگر هم ممکن نباشد ما نباید بگوئیم که این حکم باید از طرف دولت انتخاب شود بنده عرض میکنم که این مخالف قانون اساسی است که باید اعضای دیوان محاسبات را مجلس انتخاب کند اگر چه بنده باید ملاحظه بر آن ۱۸ نفر یک نفر مدعی العموم انتخاب کند.

فهم الملک - بنده از همه فرمایشات آن عرض می کنم که مدعی العموم جزء عهد نیست و ماده هفتم را که خوانده شد اگر ملاحظه فرمائید نوشته شده است که عهد اعضای هر یک از محاکم در موقع محاکمه و در آن روز میجوئی نباید کمتر از سه نفر باشد و چنانچه کمتر باشد رئیس کل باید یکی از مستشاران محاکمه دیگر را ضمیمه اعضای آن محاکمه نماید و هر گاه کلیه محاکم مشغول کار باشند یک نفر از معینین که مرجع رسیدگی آن کار نبوده ضمیمه خواهد شد پس معین در یک موردی حق رای خواهد داشت ولی مدعی العموم ابدأ حق رای ندارد و معین طور که فرمودید گاهی از طرف دولت دفاع میکند و گاهی از طرف ملت و هیچ منافاتی ندارد با قانون اساسی اختیار انتخاب مدعی العموم باید با دولت باشد و از طرف مجلس نباید انتخاب شود برای این جهات [گفته شد صحیح است]

لسان الحکماء - بنده می خواستم در باب اکثریت عرض کنم مستشارها ملاحظه رای دارند حق معاکمه دارند حق حکم دارند دیگر در باب اکثریت نسبی قرار داده اند خوب است ذکر شود در دوره اول و دویم هم اکثریت نسبی داشته باشند والا محاکمه اسباب گفتگو خواهد شد بجهت اینکه در دوره اول و دویم گفتگو خواهد شد که اکثریت نسبی اعم از این است که در دوره اول و دویم خواهد بود مثل نظام نامه مجلس شورای ملی.

فهم الملک - اینکه فرمودند مستشارها

با اکثریت نسبی انتخاب میشوند چنین چیزی قید نشده است ۱۸ نفر بدست عضویت با اکثریت نسبی انتخاب میشوند و آن ۱۸ نفر از میان خودشان ۶ نفر با اکثریت نسبی انتخاب میکنند نهایت اگر در مرتبه اول و دویم اکثریت تمام حاصل نشد ناچار باید به اکثریت نسبی عمل شود و این هیچ معمول نبوده است که در مرتبه اول اکثریت نسبی منوط اعتبار شود همیشه در مرتبه اول اکثریت نسبی منوط اعتبار مدرس قرائت شد با بنده عرض میکنم که ماده (۱۲) وزیر

فهم الملک - در خصوص انتخاب چون اشاره شده است می خواستم عرض کنم انتخاب فردی و جمعی هم قید می شد ضروری باینست که نداشت ابتداء یک نفر برای ریاست کن با انتخاب فردی و سه نفر برای ریاست محاکم با انتخاب جمعی انتخاب شود. **آقای میرزا مرتضی قلیخان** - بنده بکلی منکر پیشنهاد حاجی سید ابراهیم هستم بجهت اینکه بکلی مسافرات دارد با ماده ۱۳ کمیسیون که می فرمایند این ماده پیشنهاد وزیر را ماده ۱۳ که در این ماده ۱۴ قرار بدهند در حالیکه چند نفر در این ماده ۱۳ است که بکلی ضمیمه بایشان وزیر در جهت اینکه در پیشنهاد زیر می نویسد مستشاران و معینین درجه اول و درجه دویم و ما بکلی درجه اول و دویم را ابقا کردیم و تمام را بیکدر درجه قرار دادیم و همچنین آنجائی نویسد مدعی العموم و مدعی العموم را ابقا کردیم بنده گمان اینست که باین پیشنهاد باید رای گرفته شود یا باید رای گرفته به پیشنهاد وزیر یا بحدف این ماده.

حاجی سید ابراهیم - عرض می کنم اولاً در آنجا مستشاران اول و دومی نیست و چون موضوع ندارد این دلیل نمیشود فقط چیزی که مخرج فرمودند این بود که بدلات الشرایع این ماده از ماده کمیسیون قهیمیده میشود بنده عرض میکنم که دلالت الشرایع این ماده از ماده کمیسیون قهیمیده میشود که دلالت الشرایع فایده ندارد در قانون باید صریحاً معین کنیم که چند نفر را مجلس معین میکند هر کدامی بچه ترتیب خواهد بود نظر بنده باین بود و ایراد آقا وارد نبود.

رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای حاجی سید ابراهیم کسانیکه با این پیشنهاد موافقتند قیام نمایند. **فهم الملک** - اگر اینجا ملاحظه شود که اکثریت رئیس کل فردی و انتخاب رؤسای محاکم جمعی باشد قبل از جمله آخری ضروری ندارد. مجدداً با اصلاح ببارت ذیل خوانده شد: ماده ۱۳ مجلس شورای ملی در موقع انتخاب اعضای دیوان محاسبات ابتداء بیک نفر برای ریاست کل و سه نفر برای ریاست محاکم با اکثریت تمامه و ۱۸ نفر دیگر بدست عضویت دیوان محاسبات با اکثریت نسبی انتخاب می نماید انتخاب رئیس کل فردی و سایرین جمعی خواهد بود و این ۲۲ نفر از میان ۱۸ نفر اعضا ۶ نفر را با اکثریت تمامه

برای مستشاری انتخاب میکنند مابقی سمت معینی خواهند داشت. **رئیس** - رای میگیریم بر ماده ۱۳ به طریقی که خوانده شد کسانیکه موافقتند قیام نمایند اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد. ماده ۱۴ وزیر ببارت ذیل قرائت شد: ماده ۱۴ - همه ساله یک خمس اعضای دیوان محاسبات باید بطریق ذیل منفصل و عوض آنها انتخاب شود.

از ابتدای سال دوم تا اول سال پنجم در هر سال یک نفر از اعضای دیوان محاسبات بطور قرعه از شغل خود منفصل و عوض آنها بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شد انتخاب میشود و این قرعه در ظرف مدت مذکوره بین اعضای کشیده میشود که در سال اول - ششم قسمتی که از متبقین سال اول باقی مانده و بجهت قرعه منفصل نشده اند طبقاً منفصل خواهند بود و از ابتدای سال هفتم بحد هم سه ساله خمس از اعضای که پنجسال تمام داخل کار بوده اند طبقاً از خدمت منفصل و بجای آنها انتخاب جدید بعمل می آید. کمیسیون بطور ذیل پیشنهاد کرده بود:

ماده ۱۴ - همه ساله یک خمس از اعضای دیوان محاسبات بطریق ذیل منفصل و عوض آنها انتخاب می شوند.

از ابتدای سال دوم تا اول سال پنجم هر سال یک خمس از اعضای دیوان محاسبات مجلس شورای ملی بطور قرعه از شغل خود منفصل و عوض آنها را بترتیبی که در ماده ۱۲ و ۱۳ ذکر شد انتخاب نماید و این قرعه در ظرف مدت مذکوره بین اعضای کشیده میشود که در ابتداء انتخاب شده اند در اول سال ششم قسمتی که از متبقین سال اول باقی مانده طبقاً منفصل خواهند بود و از ابتدای سال هفتم بحد هم سه ساله آن نسبت که پنجسال تمام داخل در کار بوده اند از خدمت منفصل و عوض آنها انتخاب جدید بعمل می آید اعضای منفصله را بر مبنای مجدداً انتخاب کرد.

حاجی شیخعلی خراسانی - در این ماده منویسد خمس اعضا و تمام این اعضا ۲۲ نفرند و این عهد خمس صحیح ندارد از آقای مغیر سؤال میکنم که آیا باید ۴ نفر منفصل شوند یا پنج نفر چطور می شود.

فهم الملک - در این ماده منویسد خمس اعضا تمام اعضای دیوان محاسبات ۲۴ نفر است و این عهد خمس صحیح ندارد ولی نظر کمیسیون این است که اول سال دوم چهار نفر منفصل بشود و اول سال سیم پنج نفر و اول سال چهارم پنج نفر و همچنین تا اول سال هفتم که این عهد تمام شود. **معزز الملک** - اینکه انتخاب اعضای دیوان محاسبات را مجلس واگذار کرده است این حکمتی دارد که چون علش معلوم است که بنده ذکر می کنم وجهش هم معلوم است که هیئتی از طرف مجلس انتخاب میشوند بر مبنای دولت نباشد خودشان مستقماً باشند و برهم آزاد نباشد لکن بنده نمیدانم قرعه کشیدن اعضا را چرا باید بیآورند بجهت در صورتی که ممکن است که در دیوان محاسبات با حضور

وزیر بکشند و هیچ وجه من الوجوه اگر این مسئله را در دیوان محاسبات قرعه بکشند شکستی بدیوان محاسبات وارد نخواهد آورد در مجلس قرعه کشیدن یک کاری فایده است. **فهم الملک** - این مسئله چندان اهمیتی ندارد ۲۲ اسم است مجلس از بین آن ۱۲ اسم چهار تارا بر قرعه معین میکنند. **حاجی سید ابراهیم** - بنده عرض میکنم موافق تقریر خود مغیر خمس گفتن و پنج نفر خواستن صحیح ندارد غلط است با بنده نوشته شود بجناب فر.

حاج آقا - این اشتباهات غریب میشود در راپورت کمیسیون پنج نفر نوشته است آقای مغیر هرگز نگفتند شش نفر است آقای حاج شیخ علی سؤال کردند خمس این چند نفر میشود گفتند از ۲۲ نفر سال اول ه نفر منفصل میشود بعد سال دیگر پنج نفر تا آنکه خمس صحیح تمام میشود و آن دهم آنچه که باقی میماند البته هفت نفر است و ما امروز چون میزان اعضای دیوان محاسبات را ۲۲ نفر گرفته ایم در یک موقعی (۲۰) نفر یا (۱۸) نفر یا (۲۴) نفر باختلاف مواقعی که مقتضی بشود انتخاب کنیم یک خمس از سنوات ماضیه منفصل میکنند که تا پنجسال تمام شود همه آنها منفصل خواهند شد اما اینکه آقای معزز الملک فرمودند ملاحظت باشند که دیوان محاسبات وقتیکه هیئت ملی شد و ما باید تمام اموراتش را منفصل از دولت بدانیم آنوقت با آن پیشنهادی که در حضور وزیر مالیه قرعه بکشند و آنوقت پیشنهاد مجلس بشود باین بان حیثیت دیوان محاسبات که منتخب مجلس است بر می خورد از این جهت باید در همان جائی که انتخابشان می شود در همان جا قرعه کشیده شود این یک مطلب مهمی نیست و واگذار شده است بمجلس بواسطه اینکه از طرف دولت بهمین جهت در آنجا این انتخاب و قرعه بعمل می آید.

کاشف - در آخر این ماده چهاردهم آنجا که منویسد اعضای منفصله را میتوان دو مرتبه انتخاب کرد تصریح ندارد که این اعضای منفصله آن اشخاصی هستند که طبقاً منفصل خواهند بود یا آن کسانی هستند که بعد از پنجسال آنها را مجلس منفصل خواهد نمود از این جهت اگر مقصود کلیه باشد باید اینجانبانوش کلبه اعضای منفصله را با این انتخاب کرد.

دکتر حاجی میرزا رضا خان - بنده می خواستم از جناب مغیر سؤال کنم که این خمس را بچه ملاحظه قرار داده اند به عقیده بنده اگر سس قرار بدهند خیلی آسان تر است و مخصوصاً اگر سال اول سس عرض شود همچنین اگر دو سال مدت داشته باشد ممکن است بهتر از این کارها پیشرفت کند و چنانچه هر خمس آن در آخر سال ممکن است که خیلی از آدمهای کاری که کار کرده اند ربا را از اطلاعات پیدا کرده اند منفصل شوند.

فهم الملک - دامن این ایراد که چرا اینطور نوشته اند و ممکن است ۲۲ سال باشد و سالی یک نفر خارج شوند یا اینکه ۱۲ سال باشد و سالی دو نفر یا شش سال و سالی چهار نفر همینطور کشیده میشود و میشود گفت ولی کمیسیون طور قرار

داده است که اعضا تا اندازه ای مطلع باشند و کارها هم تا یک اندازه معوق نشود نه کاری معطل ماندند نه طور دیگر بشود حالا شش سال میشود قرار داد هفت سال هم می شود قرار داد ولی این یک حد وسطی است که مابین تمام این حدود است.

رئیس - رای می گیریم کسانیکه با ماده ۱۴ بطریقی که خوانده شد موافقتند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد). **رئیس** - بقیه شور در این قانون میماند برای جلسه آتی - دستور روز پنجشنبه بقیه شور قانون دیوان محاسبات - شور در امتیاز طلاشویی کوچه - راپورت کمیسیون داخله راجع به مهاجرین بلوچ - راپورت کمیسیون بودجه در باب مواجب ابتهاج السلطنه - افزایه در باب حقوق - احمد الملک.

فهم الملک - بنده از اعضا کمیسیون تقصیر می خواستم استدعا کنم که این ماده با آنها رجوع شده است زودتر راپورت آنرا بدهند برای اینکه می ترسم این ماده مثل آنها مسکوت عنه بماند و یک قانونی که مدتی زحمت کشیده اند و رای داده اند برای یک ماده که رجوع شده است به آن کمیسیون همینطور معطل بماند استدعا میکنم که فردا یک ساعت هم باشد یک جلسه منعقد فرمائید که این ماده قانون را تفسیر کنند و راپورت بدهند تا اینکه رای گرفته و این قانون از مجلس بگذرد.

معاضد الملک - بنده هم از آقای فهم الملک که رئیس کمیسیون تقشیر بودجه هستند تقاضا می کنم که نتیجه تقشیر خودشان را که در کمیسیون تقشیر مالیه در خصوص فرستادن بودجه به مجلس کرده اند بفرمایند.

فهم الملک - هیئت تقشیره مرتبه بریر روز روز یکشنبه برای مطالبه بودجه وزارت مالیه رفته است و وزارت مالیه با کمال جدیت در مقام تهیه بودجه هست بودجه عایدات را تهیه کرده اند بودجه مخارج را هم تهیه راجح وزارت مالیه است تهیه کرده اند آنچه از قبیل حقوق مستمریات و مواجب بکریا و غیر هم همه آنها را حاضر کرده اند وزارت پست و تلگراف هم وعده کرده بودند که تا امروز بودجه خودشان را وزارت مالیه بدهند و از فرار معلوم گویا نداده اند وزارت خارجه هم تا امروز وعده کرده بود می دهم ولی نداده اند وزارت داخله نداده اند وزارت جنگ نداده اند ولی وزارت مالیه با کمال جدیت مطالبه می کند و رفته های سخت نوشته است و اثری از آن ظاهر نشده است و گمان نمیکنم که بتوان از وزارت مالیه ایرادی گرفت و مخصوصاً وزارت خارجه را خود وزارت مالیه میگویند که تا یک دوروز دیگر امید داریم که معین خواهند کرد همینطور وزارت پست و تلگراف لیکن از وزارت داخله و وزارت جنگ تقریباً می آید بودند از اینکه باین زود بیاورند و وزارت مالیه فرستاده شود.

کاشف - بنده می خواستم از آقایانی که در کمیسیون صحیه هستند تقاضا کنم که هر چه زودتر راپورتنی از اقدامات خودشان بدهند. **دکتر علیخان** - راپورت از کمیسیون تقشیر صحیه امروز به هیئت تهیه تقدیم شده است

بنده خواستم عرض کنم که این رایورت نهایت اهمیت را دارد خوب است امر شود که زودتر بمجلس بیاید یعنی در دستور جلسه آتی اگر صلاح بداند قرارداد بندید و گمان میکنم که محتاج بطبیع و تزیین نیست بجهت اینکه چیزی نیست که محتاج به مطالعه و تأمل باشد.

آقای میرزا سیدالله خان - در این موقع که دستور جلسه پنجشنبه را معین کرده اند میخواستم از هیئت رئیسه تقاضا کنم که اجازه فرمایند نتیجه مسافرت خود و ملاقاتی را که با حضرت نایب السلطنه کرده ام و سفارشات و فرمایشاتی که بنده فرموده اند در ابتدای جلسه پنجشنبه به هیئت نمایندگان محترم عرض کنم.

مجلس سه ربع از شب گذشته ختم شد
جلسه ۱۸۳

صورت مشروح روز پنجشنبه ۲۸ شهر ثی قنده ۱۳۲۸

مجلس دوازدهمین جلسه تشکیل شد.
آقای ذکاءالملک تشکیل شد.
صورت مجلس روز سه شنبه را آقای ماضد - الملک قرائت نمود.

غائبین جلسه قبل - حاج سید نصرالله - ممتاز - الدوله - معین الرعایا - حاج وکیل الرعایا با اجازه و حین الملک - مستشار الدوله - لسان الحکماء - دکتر امیرخان - حاج مصدق الممالک - ابوالقاسم میرزا - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - سلیمان میرزا - حاج آقا شیخ علی شیرازی - دهخدا - سید ابراهیم سردار اسعد در موقع مقرر حاضر نشده اند.

رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی که هست بفرمائید.

حاج سید ابراهیم - رایورت کمیسیون بودجه در باب پسر مرحوم حاجی میرزا حسین خیلی مهم بوده یعنی پیشنهادی را که هیئت وزراء کرده بودند اجمال داشت رجوع شد وزارت مالیه که تا نابینا بطوریکه مقصود معین باشد پیشنهادی نمائید و در صورت نوشته شده است - بر کشت بکمیسیون.

رئیس - بتقاضای مقرر رجوع شد به کمیسیون بودجه که اگر لازم باشد بنا با وزارت مالیه در آن خصوص مذاکره کنند رایورت صحیحی به مجلس بدهند دیگر ملاحظاتی در صورت مجلس هست دیگر اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود آنکه از مقام ریاست بگریسی

مطلق تشریف آورده بیانات ذیل را ایراد نمودند این اوقات از عنایات عالیات و از ناحیه مقدسه مرکز روحانیت اسلامی بعضی تلکرافات رسیده مشرف بر اظهار نگرانی و تشریح خاطر از نتیجه ممکن - الوقوع بعضی عناوینی که در این اواخر از طرف بعضی دول خارجه نسبت بدولت ایران شده است و تذکار فرمودند بر اینکه علت وقوع اینگونه وقایع با گوار هما اختلافاتی است که بین مردم این مملکت بوده است و بنا بر این بموم علماء و وزراء و رؤسای مشایخ و تمام طبقات مملکت و ملت اوامر احکامیه و توفیقه های بلبته فرموده اند که باید همه بکند و یک جهت

تمام هم وضعی خودشان را برای رفع اختلافات مصروف بدارند و متفقاً دست بدست بکشد بکوشد در استعجاب اساس دولت و تشدید مبانی دیانت بکوشند و مشکلات و مضاراتی که در این راه ظهور میکنند از پیش بردارند متغایب بر این اخطار که از طرف حضرات آیت الله از عنایت عالیات رسیده از اکثر ولایات و بلاد تلکرافات و مراسلات متواتره متوالیه رسیده و میرسد مشتعل بر اظهار موافقت و اتحاد و مشربری اینکه باجان و دل با کمال یکدلی و یک جبهتی حاضرند که از برای رفع مضارلات ملت و مملکت همه نوع اقدامات بنمایند و در راه استقلال وطن و دفاع از حریم مقدسه اسلامیه از هیچ نوع مجامده و جان بازی مضایقه نخواستند داشت این تلکرافات چون خیلی زیاد و بطوریکه ملاحظه میفرمایند متصل است و اگر بخواهم قرائت کنیم یک مقدمه از بیادیت وقت از ما خواهد گرفت بنا بر این اجازه میخواهم از آقایان نمایندگان محترم که از قرائت آنها صرف نظر بکنم علی الخصوص که استنباط کرده ام و امیدوارم و بنا بر افتد اماتی که از طرف هیئت دولت شده است میتوانم عرض کنم که اطینان حاصل نموده ام که آن نتایج وخیمه را که احتمال داده و تصور کرده اند که ممکن الوقوع است و تشریحاتی که حاصل شده بی اخذ است و واقع نخواهد شد و بنا بر این تلکرافات را قرائت نمیکنم و همچنین مقصود این بود که آقایان نمایندگان از رسیدن این تلکرافات مطلع باشند در این موقع اولاً متذکر شوم که حضرات آیت الله و پیشوایان روحانی ما چطور مراقب امور و مصالح این مملکت هستند چگونه هیچ نکته و دقیقه را فراموش و فرو گذار نمی فرمایند و ناچانه اندازه در حفظ استقلال این وطن سعی و بنا بر این برای ما چه پشتیبان قوی میباشد اگر چه مواقع متمده از برای ما پیدا شده است که باین نکته متذکر بشوم و برخوردیم

ولیکن باز در این موقع هم تذکر خوب است و شکر نعمت واجب و ثواب خوشوقت بشوم و اظهار مسرت بکنم از حسباتی که طبقات مختلفه اظهار کرده اند و همانطور که امیدوار و مترب بودیم معلوم کردند که در هر صورت رعایت مصالح مملکت و حفظ وطن را مقدم بر هر چیز می دارند و اطاعت اوامر پیشوایان روحانی را که البته بر ما از هر چیزی واجبتر و لازمتر است فرض نموده اند (عموماً گفتند صحیح است) و آقای رئیس از محل نطق به مقام ریاست مراجعت نمودند.

رئیس - سه نفر از نمایندگان جدید که تازه وارد شده اند اولاً از ورودشان عرض تبریک می نمایم و بعد بموجب اصل ۱۹ قانون اساسی تکلیف میکنم که تشریف آورده ذکر قسم نمایند و در این موقع هر یک از آقایان رکن الممالک و حاج محمد صادق علی زاده و یوسف خان میرزا یاس بگریسی نطق آمده مطابق قسم نامه مقرر در اصل ۱۹ قانون اساسی قسم یاد نموده و در قسم نامه را امضاء نمودند

یوسف خان میرزا یاس - بنده با اجازه آقای رئیس و آقایان حضار محترم اولاً تشکرات خود را بجهت آن تبریکاتی که بنده اظهار شد ملتاً مروض می دارم و موقع را نهایت شرمه چون بموجب یک

مسلك مستقیم اینجا وارد شده ام لازم می دانم که آقایان محترم را از آن مسلك خود مسروق بدارم عقاید و مسلک بنده در این حوزه مقدس بر استقلال و مشروطیت ایران خواهد بود نه تنها مشروطیت ایران بلکه استعمار و استقرار و توسعه مشروطیت حالبه یک تدری اگر آقایان اجازه فرمایند بنده توضیح از معنی مشروطیت خواهم داد اگر ما باقوال بعضی از حکمای فرنگستان نظر داشته باشیم مشروطیت که آنها مشروطیت را تشریح میکنند باینکه مشروطیت قواعد حاکمیتی است که از انبساط قوای آن به مملکت جاری میشود این توضیح را اگر در نظر داشته باشیم می دانیم که از استبداد چین و ژاپون که سلاطین خود را بعنوان الوهیت پرستش میکردند تا آن حکومتی که انارشستی می خواهند او را داشته باشند تمام طبقات حکومت هائی که بین دو طرف چپ و راست معین است نامش را میشود باسم مشروطیت نامزد کرد ولی مشروطیتی که بنده در نظر دارم و عرض میکنم لازم است قدری توضیح کنم مشروطیتی را که بنده عرض میکنم مقصود این است که اقتدار امور سیاسی این مملکت باید در دست افراد این مملکت بدون استثنای مذهب و جنس استثنای گذاشته شود در این صورت ما استقلال و اختیارات را از دست بکنیم بلکه شخص یک طبقه گرفته در دست تمام افراد این مملکت می گذاریم وقتی که اینکار را کردیم چند چیز لازم است اولاً آن افرادی که استقلال در این مملکت دارند باید خودشان آزاد باشند ممکن نیست که ما این افراد را مستقل بداریم و با آنها اختیارات بدهیم ولی آنها را در تحت یک قوه دیگری مجبور بکنیم در آن صورت آنها مستقل نیستند آزادی تام از قبیل آزادی افکار و عقاید و این آزادی هائی که در تمام ممالک مشروطه اساس کار شده اند اسباب این شده اند که این مسئله طبیعتاً جاری باشد تا اینکه آزاد باشند و با کمال آزادی رأی خودشان را اظهار بدارند و اشخاصی را که میخواهند انتخاب نمایند در تمام مملکت را بدست آنها واگذارند و نه تنها باید آزاد باشند بلکه باید تمام افراد آزادی شان یک اندازه و متساوی باشد و نمی شود حقوق یک طبقه آنها را بیشتر و حقوق یک طبقه دیگر را کمتر کرده والا همان حکایت اسیری را که در محکوم طبقه ای نیست طبقه دیگر خواهد آمد و اگر از این حیث مانعاً به نظامنامه انتخابات بکنیم قوی خواهیم دید که نظامنامه انتخابات ما خیلی ناقص است و یک عده بزرگی معروفند از انتخاب و یک عده کمتری اگر چه بموجب قانون در قوه محروم نیستند ولی در قوه محرومند و این مناقی باقوائین و اصول مشروطیت خواهد بود که تمام افراد یک مملکت شرکت در انتخاب بکنند و بعد یک عده حق انتخاب بیشتر داشته باشند و یک عده کمتر در صورتی که نظامنامه انتخابات ما باید طوری باشد که بموجب آن اساسی که ما قائلیم بآن هستیم تمام افراد بدون فرق شرکت در انتخابات داشته باشند و تمام پروتست هائی که ناچاراً از طایفه ارامنه در خصوص نظامنامه انتخابات شده است و تمام تعطیلاتی که در باب فرستادن نماینده آنها شده

است بواسطه همین بوده است و آنها این پروتست را داشته اند و بد از این هم خواهند داشت و بنده یقین دارم چون از اهلان آقایان نمایندگان محترم شنیده ام که همان پروتست هائی که طایفه ارامنه نسبت به نظامنامه انتخابات داشته اند آقایان نمایندگان محترم هم دارند بلکه بعضی ها قدری بیشتر هم اعتراضات دارند و امید دارم هر چه زود تر این مایب رفع شود بعد از استعجاب بنیان مشروطیت که حقوق انتخابات متساوی شده ما باینکه به چند شبهه دیگر یک چیز دیگری که از آن ناشی میشود این است که وقتی تمام سیاست مملکت را بسپردیم بدست افراد این مملکت فوراً یک چیزی لازم بلکه الزام میشود آن این است که افراد این مملکت باید علم داشته باشند تا بتوانند آنطور که لازم است قوانین سیاست را مجری بدارند و از این راه کمال شرف را دارم از اینکه شنیده ام مجلس آن را قبول کرده است یعنی تعلیم اجباری را لازم دانسته است این افراد را لازم است علم داد تا آنها از روی علم کارهای سیاسی خودشان را درست کنند یکی از شیبات بزرگ که تمام اهالی محتاج آموختند و هر دولتی که تشکیل میباید عده مقصودش آن است قضاوت مملکت است قضاوت مملکتی به عقیده من باید سریع و مجانی باشد برای اینکه ما میدانیم که اغلب اوقات اتفاق می افتد که قضاوت یک شخص پر پولی یا یک شخص بی پولی میشود در این راه وقتی ما مجبور بخرج کردن باشیم خیلی خوب میدانیم که آن کسی که خیلی پر پول است ممکن است به دولت خرج قضاوت خود را بدهد و تمام حق خودش را قاپوت کند و آن شخص که بی پول است نمیتواند خرج قضاوت را بدهد و محکوم واقع شود در این جا ناشی میشود که قضاوت باید مجانی باشد یکی هم سرعت قضاوت است ما می دانیم که بعضی اشخاص هستند که خیلی کار دارند و باید عقب کاسبی خودشان برونند و بواسطه سریع نبودن قضاوت از حقوق خودشان استغنا میکنند در آن عدالت خانه ما و بداندیم که ملت بزرگی است برای این مملکت یک عده دیگر این است که قاضی های ما باید از آن اشخاص که حقوق خودشان را بدست آنها میدهند انتخاب شوند از جای دیگر نباید انتخاب شوند قتی دیگر کدر مملکت خیلی مهم است آن مسئله اقتصادی مملکت است ما همه میدانیم که هر شکلی دولت را تغییر بدهیم بجهت تغییر هویت و بکارگران هیچ فرقی نمیکند اگر بزرگ در کوره به پرسیم از حال که از دوره استبداد ناچاراً برای توجه فرق بکرده است خواهد گفت هیچ فرقی نکرده است و اگر تمام حقوق آزادی را بآن شخص بدهیم ولی امور معاش او را درست نکنیم باز او همان امید روزی و دوران و بلقن است که بود و از برای او هیچ فرقی ندارد پس بعقیده بنده نسبت های اقتصادی مملکت را طوری باید تقسیم کرد که اگر یک روزی یک شاعری مثل (بابا طاهر) در ایران پیدا شود بتواند بگوید یکو را میدهم صد گونه نعمت یکی را نان جو آفته در خون مسئله دیگر که لازم است در مملکت نظام

کینم و تنبیه که دارای اسباب شدید آنوقت اینکارها را بکنیم و بامید بعضی ها بشنیم با اینکه بعضی موازینی جلوی کار بیاییم و ننگداریم آشکار انجام بگیرد بعد از عرض این مختصر بعضی آقایان حضار محترم بنده امیدواری خود را عرض میکنم که امیدوار هستم حضور بنده که کمال شرافت را دارم از امروز که باین حوزه حاضر شد اسباب این بشود که بعد از این تمام اتحادات و برادری و برابری که تا بحال ما آنرا بزبان گفته و در قلب آرزوی آنرا داریم و هنوز فعلیت آنرا ندیده ایم بدرجه فعلیت برسد و اتحاد بین تمام فرق و مذاهب و طوایف مختلفه ایران پیدا بشود که محتاج به کار این کلمات نباشیم و فعل خودش بیش از کلمات صدا بلند بکند و بگوید این مملکت و این اشخاص که در این آب و خاک زندگی میکنند دیگر هیچ چیز را نمی توانند مانع ترقیات خود بدانند. [بعضی نمایندگان تصدیق کرده صحیح است گفتند.] [رایورت کمیسیون نفتیش امور صحیه قرائت شد] که کمیسیون نفتیش امور صحیه در روز های چهارشنبه [۶] و چهارشنبه [۱۳] و شنبه [۱۶] و یکشنبه [۲۴] شهر حال در تحت ریاست آقای دکتر حیدر میرزا انعقاد یافت در این جلسات مختلفه موضوع مذاکرات ترتیبات قرائتین خانه های سرحدی بود نظر باینکه از چند سال باین طرف مرض وبا در روسیه رحل افامت انداخته همیشه در موسم بهار و تابستان ممالک محروسه را تهدید می دارد چنانچه امسال با ستارا و اردبیل و رشت هم سرایت کرده کمیسیون نظر خود را بیشتر بطرف سرحدات شمالی عطف نموده همه معالجات و مذاکرات خود را بر عایت لاهم الا هم بچگونگی قرائتین خانه های سرحدات مذکور منحصراً داشت از قرار تحقیقاتی که از مجلس حفظ الصحه دولتی بعمل آمده معلوم میشود که در سرحدات شمالی هیچگونه تأسیسی که سزاوار نام قرائتین خانه باشد تا کنون وجود نداشته و تمام ترتیبات و تأسیسات صحیه منحصر بوده باینار های قدیم که برت واقع در آستاندر اوقات لزوم گذاشتن قرائتین مسافرن را در همان اینارها پذیرائی نمیدوند و برای تقدیه و خواب و استراحت آنها هیچ نوع اسباب آسایش و آسودگی در کار نبود و مسافرن عموماً و اتباع خارجه خصوصاً از این بی ترتیبی همواره شکایت های سخت داشته برای مجلس حفظ الصحه و اولیای دولت اشکالات فراهم میآوردند و به علاوه از فقدان آلات و ادوات طبیعیه لازم حفظ الصحه جلوگیری از سرایت مرض روز بروز مشکل تر شده است در این باب مجلس حفظ الصحه دولتی از دیر زمانی نظر نموده و مکرر پیشنهادها تقدیم کرده ولی مع التأسف بمقصد نائل نگردیده است و بهر نحوی بوده این مسئله در عهده توفیق افتاده تا اینکه امروزه بدرجه یکی از مهم ترین امور مملکتی گردیده است چون مسئله قرائتین خانه ها علاوه بر نقطه نظر حفظ مملکت از سرایت امراض و باقیه یک جنبه بین المللی

را هم شامل است که بمسئولین برای تعیین و تقدیر درجه اهمیت آن لازم دید که نظرات دولت را هم دانسته باند لهذا در جلسه روز (۱۶) ذیقعدة با حضور جناب معاون وزیر امور خارجه در آن باب مذاکره نمود آقای معاون از نقطه نظر سیاسی مسئله ترانزین خانه های شمال را فوق العاده اهمیت داده عقیده ایشان بر این بود تا اول بهار باید حتماً اساسی اینکار بطور صحیح فراهم آید خود جناب وزیر امور خارجه هم در آخر جلسه تشریف آوردند اظهارات آقای معاون را تصدیق فرمودند در جلسه روز یکشنبه بیست و چهارم کمسیون تقیض امور صبحی حضور آقای شیاه السلطان نماینده وزارت جلیله داخله و جناب دکتر زرر رئیس مجلس حفظ الصحه دولتی مجدداً در موضوع ترانزین خانه های شمال مشغول مذاکره شده آقای نماینده وزارت داخله همان طوریکه در جلسه قبل جناب وزیر امور خارجه اظهار فرموده بودند مسئله را اهمیت فوق العاده داده حل و تسویه آنرا از اهم امور دانستند جناب دکتر زرر هم از نقطه نظر طبیی نبودن ترتیبات صحیح رادرسرحدات شمال موجب خطرات دانسته اظهار داشتند که اگر تا بهار آیند ترانزین خانه های مذکور تأسیس نشود مجلس حفظالصحه دولتی چنانچه بوزارت جلیله داخله رسماً عرضه داشته بهیچوجه مسئولیت قبول نخواهد کرد بمقدمه مشارالیه که ترجمان رای میثت مجلس حفظالصحه دولتی است باید بدون فوت وقت دولت جداً در صد اقدام برآمده برای تأسیس اماکن و تهیه آلات و ادوات صحیح ترانزین خانه ها اوازم آکیه اصدار فرمایند بنا باظهار ایشان عقیده مجلس حفظالصحه دولتی این است که عمده بنای فرانزین خانه در سواحل دریای ماز میزان باید در انزلی تأسیس شود در آستارا و در بیشتر جز هم لازم است ولی در این دو محل تأسیسات حفظالصحه نمی مختصر خواهد بود تأسیس دیگری هم در طرف جلفا لازم است برای هر یک از این چهار نقطه علاوه تأسیسات اماکن لازمه يك دستگاه (اتور) باید خریداری شود و تعیین یک نفر طبیب عالم و عامل و یک نفر (مکانی سین) بطور دائم لازم خواهد بود در باب مخارج لازم کمسیون نمی تواند بطور حتم مبلغی معین نماید زیرا که تا کسی بهجهاتی که باید تأسیسات اماکن لازم بشود نرفته و بنا مهندس و معمار خود محل مذاکره نمایند تعیین کردن مشکل است در این خصوص کمسیون از جناب دکتر زرر سؤال نمود که اگر لازم باشد ایشان حاضر خواهند بود که چند روزی بانزلی مسافرت نموده در انتخاب محل تأسیسات صحیحه نشه و مخارج تعیین آن شخصاً مطالبات لازم را بعمل آورده مشارالیه وعده کردند که اگر مجلس مقدس اساس مسئله را تصویب فرموده و دولت اقدامات را لازم دید بنا با اهمیت و فوریتی که در کار است این رحمت را قبول خواهد کرد و این خدمت را انجام خواهد داد .

کمسیون فقط قیمت [اتوا] را از روی (کاتالوک) کارخانجات می تواند عرض نماید اتوو رده سبستم ۱۰۰۰۰ فرانک (۴) ۴۰۰۰ فرانک در خصوص مصارف دیگر که عبارت از ساختن اماکن لازمه برای فرانزین و غیره باشد پس از مذاکرات با جناب دکتر زرر و ملاحظه بر آورد هائی که در

مجلس حفظالصحه دولتی بطور تقریب و تخمین شده بود بعد از چندین جلسه مذاکرات معین شد که مبالغ ۲۰۰۰۰ هزار تومان برای مصارف فوری لازم خواهد بود این مبلغ را با کمال فوریت باید به صندوق حفظالصحه تحویل کرد که فوراً اقدام بکار شود در سال دویم و سال سیم هم باید هر سال مبلغ [۱۵] هزار تومان برای مصارف فرانزیه به طبیب ها و دوا و لوازمات پرداخت مسلم است که این مبلغ بطور اعتبار بصندوق مجلس حفظالصحه دولتی پرداخت می شود باید صورت کلیه مخارج را جزء بجزء بوزارت مالیه تقدیم دارند .

رئیس - در خصوص این رای و درت به نظر بنده چنین می رسد که باید این مسئله را بوزارت داخله رجوع کنیم هر گاه وزارت داخله هم این مبلغ را لازم دانست و تصویب کرد آنوقت بمجلس بیاید و موضوع مذاکره شده تصویب شود باین واسطه گمان میکنم که امروز مذاکره در این خصوص لازم نباشد .

دکتر اسمعیل خان - ولی ممکن است استدعا بکنیم از مجلس که بوزارت داخله رجوع شد تأکید بشود که وزارت داخله اهمیت این مسئله را در نظر گرفته زودتر عقیده خود را پیش نهاد نمایند چون خیلی این مسئله مهم است .

رئیس - شروع میشود بشور در پتیه قانون دیوان محاسبات ماده (۱۵) الحاقی کمسیون ببارت ذیل قرائت شد (تمیین مدعی العموم از طرف دولت و بموجب فرمان همایونی خواهد بود) .

رئیس - ملاحظاتی در این ماده هست (اظهاری نشد) .

رئیس - رای میکنیم بطریق که کمسیون این ماده الحاقیه را تصویب و پیشنهاد کرده است کسانی که با پیشنهاد کمسیون موافقت دارند قیام از قرائت ذیل خوانند [اسامی اعضاء منضمه را همه ساله باید وزیر مالیه جزو صورت اشخاصی که بمجلس پیشنهاد می کنند درج نمایند] و کمسیون اینطور پیشنهاد کرده بود ماده ۱۶ - وزیر مالیه بمجلس پیشنهاد کرده بود که در این ماده پیشنهاد شده بود که در این ماده پیشنهاد شده بود .

حاج سید ابراهیم - این ماده را بعقیده بنده باید اختصاص داد بشیراز سال اول بجمله اینکه در سال اول آن اشخاصی که منضم میشوند هنوز معین نیست تا اینکه مجلس آنها را بقره معین کند پس باید نوشته شود و مجلس آنها را بقره معین می کند والا باین ضم بعقیده بنده صحیح نیست .

حاج شیخ اسدالله - خود همان ماده که می نویسند که مجلس در پنج سال اول قرعه میزند و بعد از پنج سال سال بعد غیر منضمه منضم خواهند شد توضیح این ماده را میکند و دیگر چیزی لازم نخواهد بود .

ابوالقاسم میرزا - بنده گمان می کنم این نظر بیکه آقای حاج سید ابراهیم دارند صحیح است بجهه این که قبل از آنکه در پنج سال بقره مجلس شمس آنها

را منضم کند که عمده آنها معین نیست پس خوب است در این خصوص توضیحی بشود ولی باید نوشته شود که وزارت مالیه پیشنهاد میکند برای این کمجلس می تواند تا نایب آن منضمه انتخاب نماید .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - این طور اصلاح شده است و وزیر مالیه همه ساله بعد از پنج سال اول اسامی اعضائی را که منضم خواهند شد بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد .

فهمیم الملک - بعد از پنج سال اول خوب نیست نوشته شود تا سال پنجم برای اینکه وقتی که تا سال پنجم نوشته شد معلوم است که بعد از آنی که سال پنجم گذشت باید همه ساله اسامی اعضائی را که منضم خواهند شد وزیر مالیه پیشنهاد کند .

حاج آقا - همانطور که آقای مخیر فرمودند نباید بعد از پنج سال اول نوشته شود و با نظری که نوشته شود تا سال پنجم و بعد از چهار سال اول بقیه است که مطالب مفهومی می شود ولی از این عبارت که نوشته شده است بعد از سال پنجم سال اول هم فهمیده می شود که از سال ششم باید پیشنهاد کند و حال آنکه آنچه از قانون معلوم میشود این است که از اول سال پنجم پیشنهاد می کنند این چه گمان می کنم که با پیشنهاد بعد از چهار سال اول .

حاج شیخیلی - بنده این انحصاری را که آقایان می فرمایند در سال چهارم وزیر مالیه پیشنهاد می نمایند می فهمم اگر منضم در این است همه اعضائی را که منضم خواهند شد پیشنهاد نمی نمایند که عرضی ندارم و اگر این است که بعد از انضام پیشنهاد خواهند کرد که آن اختصاص بسال پنجم یا چهارم ندارد .

فهمیم الملک - اگر در مواد دقت فرموده بودید این ترماش را نمی کردید اینجا نوشته شده است که در چهار سال اول يك خمس اعضاء بقره منضم میشود و عرضشان را بمجلس انتخاب می کنند ولی سال پنجم لایذیک عمده خواهند بود که منضم نشده اند این است که وزیر مالیه باید آن عمده را پیشنهاد نماید .

افتخار الواعظین - بنده تعجب میکنم از آقایان که چهار سال و پنج سال میفرمایند گویا آن ماده را که رای داده اند فراموش کرده اند در قسمت اخیر ماده (۱۴) که ما بآن رای داده ایم نوشته شده است که در اول سال ششم قسمتی که از منضمین سال اول باقی مانده بطبع منضم خواهند بود و از ابتدای سال هفتم بیهمه همه ساله آن قسمت که پنج سال نام داخل کار بوده اند از خدمت منضم و عوض آن ها انتخاب جدید بعمل می آید در این ماده نوشته شده است که وزیر مالیه همیشه از سال هفتم همه ساله اسامی اعضائی را که پنج سال نام کرده اند و منضم نشده اند پیشنهاد می نماید و در این صورت دیگر لازم باین مذاکرات نیست .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - استدعا میکنم که آقایان درست دقت بفرمایند که این مطلب خیلی مطلب سهلی است ولی مورد اشتباه آقایان شده است سال اول خمس اعضاء منضم می شوند بعد از انضام سال اول سال دوم خمس دیگر از آن آقایان بقره منضم میشوند و همینطور تا اول سال پنجم همه ساله يك خمس منضم و عوض آن ها انتخاب میشود اول سال ششم آنچه باقی مانده است یعنی اعضائی که پنج سال بوده اند و در این

مدت بقره منضم نشده اند بطبع منضم میشوند و دیگر محتاج بقره نخواهد بود و مثلا اگر اعضاء دیوان محاسبات (۲۲) نفر باشند شش نفر باقی می ماند این است که وزیر مالیه در اول سال ششم پیشنهاد می کند که اسامی شش نفر از این اعضاء بطبع منضمند بمجلس شورای ملی باید عوض آنها را انتخاب کند و در این صورت هیچ جای تردید نیست و مخصوصاً باید نوشت که بعد از سال پنجم همه ساله از اول سال ششم وزیر مالیه اسامی عمده اعضائی را که در این مدت بقره منضم نشده اند و پنج سال خدمت کرده اند بمجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند تا اینکه مجلس عوض آنها را انتخاب کند .

آقا شیخ ابراهیم - يك چیزی اینجا در پیشنهاد وزیر هست که فائده اش معلوم است و آن این است که اسامی اعضاء منضمه را همه ساله باید وزیر مالیه جزو صورت اشخاصی که بمجلس پیشنهاد می کنند درج نماید این مقصودش صحیح است حالا شما میگویید بعد از آنی که سال پنجم آمد اسامی اعضائی را که باید بمجلس شورای ملی انتخاب کند وزیر مالیه پیشنهاد میکند در ضمن اسامی اعضائی را هم که باید منضم شوند معین کند این چه فایده دارد آن اشخاصی که منضم شده اند معین هستند و اگر مجلس بخواهد از بین آنها انتخاب کند میتواند محتاج به پیشنهاد وزیر نیست باین واسطه عقیده من این است که در این باب پیشنهاد وزیر بهتر است وزیر مالیه چون حقیق این است که در مقابل اعضائی که اسامی اعضاء منضمه را هم در ضمن پیشنهاد میکند اگر بخواهد وزیر مالیه در ضمن اسامی که باید معین کند پیشنهاد نماید بقره منضم خواهد بود اگر بخواهد از بین آنها هم يك عمده را انتخاب کند .

فهمیم الملک - باین بی فایده گوی هم که فرمودید نیست نظر باین بوده است که تطبیق نشود قبل از موقع انضام وقتی که ملتفت شدیم که يك عمده باید اسامی خارج شوند آن عمده پیشنهاد بمجلس میشود برای اینکه قبل از وقت مجلس دانسته باشد که يك عمده مدت خدمت آنها منقضی شده است و اشخاص لایق کافی را در نظر بگیرد که همینکه مرعد آنها سر رفت آنها را بجای او انتخاب کند و يك مدتی بعد از انضام مدت مجلس فکر نکند که چه اشخاصی را معین نماید و شاید دو ماه و سه ماه طول بکشد و جای آنها خالی بماند و اینطور که شد این ملاحظه بکلی رفع میشود و عوض اینکه آن عمده که مدت خدمتشان تمام شده است منضم شود فوری مجلس اشخاصی را که در نظر گرفته است بجای آنها انتخاب میکند و این برای این است که مجلس را متذکر کند که در يك ماه دیگر اینها را باید انتخاب نماید .

حاج سید ابراهیم - چون در ماده پیش ذکر کردیم که اشخاصی را که بستی معین میکنند مثل رئیس کل و مستشاران پس در وقتی که مدت خدمت این اعضاء تمام میشود باید وزیر مالیه باست اسامی این اعضاء را پیشنهاد کند که مثلاً فلان رئیس محکمه یا فلان مستشار باید منضم شوند تا اینکه مجلس هم

مناصب کار آنها اشخاصی در نظر بگیرد و اشتباهی نشود و این تعیین سمت خوب است در اینجا قید شود .

حاج عز الممالک - بنده خواستم در اینجا رفع اشتباه از آقای حاج شیخیلی بشود این ماده ربطی بمجلس ندارد وزیر البته حق دارد که همه ساله اعضائی را که باید انتخاب شوند پیشنهاد نماید و میتواند هم در ضمن آنها اسامی اعضائی را که منضم شده اند پیشنهاد کند این فقط برای يك اطلاعی است که مجلس از آن مسبقاً باشد که اسامی یک عمده مدت خدمتشان منقضی است و بجای آنها باید انتخاب شود و سلب آن حق را از وزیر نمیکنند (پیشنهادی از طرف حاج آقا سبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که این ماده اینطور نوشته شود (وزیر مالیه همه ساله اسامی اشخاصی که سال خدمت کرده اند و بطبعاً منضمند قبلاً بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد) .

آقا شیخ ابراهیم - بنده باز همان مطلب را اعاده می کنم جوابی که آقای مخیر فرمودند بنده را قانع نکرد یعنی بعد از آنی که موقع انتخاب شد وزیر مالیه حقی دارد همه ساله در مقابل عمده اشخاصی که باید انتخاب شود پیشنهاد نماید دیگر اینکه اسامی اعضائی را هم که منضم خواهند شد پیشنهاد کنند بنده نمی دانم چه فایده دارد .

ابوالقاسم میرزا - بنده موافقم با فرمایش آقای آقا شیخ ابراهیم در این مورد که مقصود از این ماده که وزیر پیشنهاد کرده است این بود است که همه اعضائی که منضم شده اند ولو اینکه انضام آنها بقره بوده باشد وزیر مالیه در ضمن اسامی که باید معین کند پیشنهاد نماید بقره منضم خواهد بود اگر بخواهد از بین آنها هم يك عمده را انتخاب کند .

حاج آقا - تعجب میکنم يك مطلب خیلی واضع بعد از آنکه دو سه مرتبه توضیح شد باز ایراد میکنند مراد از این ماده فقط این است که مجلس شورای ملی اسامی اشخاصی را که باید عوض آنها را انتخاب کند بدانند نه این است که این حق مجلس شورای ملی است که اعضاء دیوان محاسبات را انتخاب کند و بدیهی است که در سال اول خمس اعضاء بقره منضم میشوند مجلس شورای ملی بدانند که کمی منضم شده اند و همینطور تا سال چهارم ولی در سال پنجم چون مجلس نمی داند که کمی پنج سال خدمت کرده است و بطبعاً منضم است پس لازم است يك کسی از سال پنجم بیهمه همه ساله پیشنهاد بکنند که این عمده باین اسامی مدت خدمتشان تمام شده و باید منضم شوند تا اینکه مجلس شورای ملی عوض آنها را انتخاب نماید و چون رئیس کل دیوان محاسبات يك رسمیتی نداشت که طرف با مجلس باشد و این اداره بواسطه اینکه کارش تقیض و مراقبت در بودجه مملکت و محاسبات او است و این مناصبتی با اداره مالیه دارد و مرتبط بوزارت مالیه است باین واسطه کمسیون تصویب کردند که این پیشنهاد را وزیر مالیه بنماید که عوض آنها را مجلس در موقع انتخاب کند و این يك مطلب مشکلی نیست که اینقدر در آن مذاکرات

بنمائیم (ثانیاً پیشنهاد حاجی آقا قرائت شد) .

فهمیم الملک - آقایان تمام نظرشان بر این است که تمام اعضاء دیوان محاسبات را در این مدت همین مجلس انتخاب خواهد کرد و در این صورت چه طور میشود که اسامی اعضاء منضمه را ندانند ولی این مجلس يك سال دیگر منضم خواهد شد و مجلس دیگری خواهد تشکیل شد .

رئیس - رای میکنیم بر پیشنهاد آقای حاج آقا کسانی که موافقت با پیشنهاد ایشان قیام نمایند .

رئیس - اکثریت حاصل نشد .

مؤتمن الملک - منصفود آقای آقا شیخ ابراهیم این بود که پیشنهاد آقای حاج آقا با خرما ضمیمه شود که وزیر مالیه همه ساله بعد از پنج سال اول صورتی را که بمجلس میفرستد در ضمن اسامی اشخاصی را هم که پنج سال خدمت کردند و منضمند قید نماید حالا آنرا باید ضمیمه کرد و رای گرفت مجدداً ماده ۱۶ با اصلاح ذیل قرائت شد .

وزیر مالیه همه ساله اسامی اشخاصی که پنج سال خدمت کرده و بطبعاً منضمند ضمیمه اشخاصی که لایق انتخاب میدانند قبلاً بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد .

رئیس - رای میکنیم بماده (۱۶) زاپورت کمسیون بقراینی که اصلاح شده است کسانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) ماده ۱۶ پیشنهاد وزیر باین عبارت خوانده شد (انتخاب رئیس کل و رؤسای محاکم و مدعی العموم و مستشاران از میان اعضائی که مجلس شورای ملی معین کرده است بتصویب وزیر مالیه و بموجب فرمان پادشاه است) و کمسیون این ماده را حذف کرده بود و اظهار مخالفتی در مجلس با راپورت کمسیون نشده ماده ۱۷ پیشنهاد وزیر این قرار قرائت شد .

انتخاب دفتر دار کل و منشی باشی تصویب وزیر مالیه بموجب فرمان پادشاه است [کمسیون اینطور پیشنهاد کرده بود] .

[ماده ۱۷ انتخاب دفتر دار کل با کثرت نامه بادیوان محاسبات است سایر اجزای دفتر دار دفتر دار کل معین نموده و بتصویب رئیس کل بشغل خود برقرار میگردد و مسائل راجعه بترقیه رتبه و عزت آنها باظهار دفتر دار کل و تصویب رئیس کل خواهد بود] .

حاج سید ابراهیم - بنده در این ماده میخواهم عرض کنم چونکه دفتر دار اعضاء دفتر را معین میکنند و مسئول صحت امثال تمام اینها رئیس کل است پس باید عزل آنها هم موقوف بتصویب او باشد نه این که موقوف بتصویب شخص دیگری باشد .

فهمیم الملک - عبارت اول این ماده را اگر تأمل بفرمایند رفع اشکالشان خواهد شد .

حاج سید ابراهیم - عبارت اول را خوبست اینطور بنویسند که سایر اجزای دفتر دار کل با تصویب رئیس کل معین بنماید .

آقای میرزا ابراهیم قهی - اینجا در ماده دوم این قانون مینویسد دیوان محاسبات مرکب است از یک رئیس کل و سه نفر رئیس محکمه و شش نفر

مستشار و دوازده نفر مبرز دفتر دار کل جزء اینها نبوده است و چیزیکه جزء نبوده چگونگی میتوان نوشت که باید انتخاب نمایند.

فهییم الملک - آن [۲۷] نفر اعضای دیوان محاسبات میباشد که مجلس باید انتخاب کند و این دفتر دار کل ربطی بآنها ندارد این را باید دیوان محاسبات مین نمایاند.

ثانیاً ماده ۱۷ باصلاح ذیل فراتر شد انتخاب دفتر دار کل باکفایت تامه با دیوان محاسبات است سایر اجراء دفتر را دفتر دار کل مین نموده و با تصویب رئیس کل بفرغ خود بر فرد می کند و مسائل راجعه بترقیه رتبه و عزل آنها با ظاهراً دفتر دار کل و تصویب رئیس کل خواهد بود
رئیس - رای می گیریم بماده ۱۷ راپورت کمیسیون بطریق اصلاح شده است کسانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) ماده ۱۸ پیشنهاد وزیر بهارت ذیل فراتر شد در صورت لزوم يك یا چند نفر نایب مدعی العموم از میان مبرزین درجه اول برای مدت يك سال بتصویب مجلس عمومی دیوان محاسبات و وزارت مالیه مین میشوند کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بماده ۱۸ وزیر مالیه در صورت لزوم يك یا دو نفر و کپل عمومی مین خواهند نمود .

دکتر حاج رضا خان این در صورت لزوم اگر بنا باشد طلب راپر بهتر میرساند علاوه بر این وقتی که لازم شد يك یا دو نفر مدعی العموم انتخاب نمایند دیگر تمین و کپل معنی ندارد .

فهییم الملک - این مدعی العموم نیست و کپل مدعی العموم است چون سه حکمه است و یک مدعی العموم دارد و اگر لازم شد يك یا دو نفر و کپل عمومی هم وزیر مالیه مین میکنند .

آقا شیخ علی - در پیشنهاد وزیر نوشته شده است که این يك یا دو نفر نایب باو کپل مدعی العموم را ازین میزین انتخاب نمایند و اینجا در راپورت کمیسیون نوشته است که وزیر مالیه باید مین کند دیگر معلوم نگردم است که از اعضاء باید مین نماید یا اینکه از خارج .

فهییم الملک - البته در نظر حضرت آقا هست که مدعی العموم را البته آدر پیشنهاد وزیر نوشته بودند مجلس شورای ملی انتخاب بنمایند کمیسیون این ترتیب را رد کرد و قرار شد مدعی العموم راپر دولت انتخاب نماید پس و کپل عمومی راهم که باید خدمات مدعی العموم را در عهده بگیرد باید در صورت لزوم هیئت دولت از خارج انتخاب کند .

سایمان میرزا بنده گمان می کنم چنانچه در باب انتخاب مدعی العموم گفتیم که باید از ظرف دولت و بموجب فرمان همایونی باشد و کپل عمومی راهم که تقریباً همانطوریکه فرمودند باید خدمات مدعی العموم را در عهده بگیرد و وظایف و تکالیف ادرا انجام بدهد باید نوشته شود که انتخاب او از طرف دولت یا تصویب وزیر مالیه و بموجب فرمان همایونی خواهد بود

آقا شیخ ابراهیم و کلاهی عمومی در وزارت عدلیه ره کجا که هسته تمام مدعی العموم را نداند

انتخاب و تصویب مدعی العموم بفرمان پادشاه است و لیکن و کلاهی عمومی انتخاب آنها بفرمان پادشاه نیست برای اینکه و کلاهی عمومی باین ترتیب از مدعی العموم .
حاج آقا - اینجا يك قدری اسباب اشتباه شده است و آن این است که فرض کنیم سیویون از این ماده این بوده است که در صورتی که کار زیاد بشود يك نفر مدعی العموم نتواند از عهده برآید يك نفر یا دو نفر و کپل از برای اومین بنایند که موافقت بکارهای مفه ماند که انتخاب اینها دائمی است و باین واسطه این مذاکرات می شود باین جهت اگر کلمه موافقت را زیاد نمایند بمقیده بنده رنج این اشتباهات خواهد شد .

مشیر الدوله - بنده هم می خواستم عرض کنم بطوری که در این ماده نوشته شده است معلوم نگردد که انتخاب اینها وقتی است و محدود هم نشده است مدت انتخاب اینها تا اینکه معلوم شود و در صورتی که اینطور باشد کلمه عمومی چون دیوان محاسبات يك دیوان خیلی محترم است که میتوان گفت در حال دیوانخانه تمیز است و و کلاهی عمومی محکمه نیز و محکمه استیناف بموجب فرمان همایونی انتخاب میشوند باید در اینجا هم بنویسند که يك یا دو نفر و کپل عمومی به انتخاب وزیر مالیه و فرمان همایونی مین خواهند شد

حاج آقا - این مطلب منطقی است که وقتی که مین شد و وزیر را لزوم مجبور کرد که يك یا دو نفری را انتخاب کند معلوم است که آن لزوم کانی است و محتاج بفرمان و چیزهای دیگر نخواهد بود والا دیوان محاسبات بکفتر مدعی العموم دارد و آهم کافی خواهد بود این در زمینه است که وزیر حس کند که بواسطه زیاد کاریها بکفتر مدعی العموم نمیتواند بکارها برسد آنوقت يك یا دو نفر و کپل حق دارد انتخاب نماید و وقتی که وجودشان لازم نشد و کارها جریان پیدا کرد آنوقت خارج خواهند شد پس در يك همچو زمینه که مین است این يك یا دو نفر لازم خواهد بود همانطوری که آقای آقا شیخ ابراهیم فرمودند گمان نمی کنم که محتاج بصورت فرمان باشد و نباید بطوری که آقای مشیر الدوله فرمودند از کار خودشان منصرف شوند مگر وقتی که کارهای زیادی که برای مدعی العموم پیدا شده بود بعد اعتدال برسد از خود در صورت لزوم فید کردن هم معلوم است که مادامی که لزوم باقی است آنها هم هستند و وقتی که لزوم نباشد آنها هم نیستند

در این موقع پیشنهاد شاهزاده سایمان میرزا بمضمون ذیل فراتر شد
بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۸ چنین نوشته شود ماده ۱۸ - وزیر عدلیه در صورت لزوم يك یا دو نفر و کپل عمومی تصویب و با فرمان همایونی منصوب خواهد شد

فهییم الملک - آن يك جمله بموجب فرمان همایونی منصوب خواهد شد که شاهزاده در پیشنهاد خود اضافه کرد کمیسیون هم قبول دارد که در آخر ماده ۱۸ اضافه شود

بهجت - ما وقتی که نظر میکنیم بادیوان محاسبات احساس میکنیم که بکفتر مدعی العموم و دو نفر و کپل عمومی لازم است حالا اگر مجلس هم همچو احساس میکند میباید در همان ماده قید شود که بفرمان پادشاهی يك مدعی العموم و دو نفر و کپل عمومی انتخاب خواهند شد و چون قانون اینطور گذشت که بکفتر مدعی العموم انتخاب و بفرمان همایونی منصوب خواهد شد و باین یکفتر کافی است و ممکن است بعد از این بواسطه پیش آمده احساس میکنیم که دو نفر و کپل عمومی لازم است پس این در معنی يك حقی است که مجلس شورای ملی می دهد بوزیر مالیه برای این که در موقعی که دید مسئله يك محاکمه درین است و مدعی العموم بواسطه زیاد کاری نمیتواند برسد بکفتر و کپل عمومی مین میکنند که آن محاکمه را تمام نماید و بعد متفصل خواهد شد و پس در این صورت بمقیده بنده محتاج باین نخواهد بود که بفرمان همایونی منصوب خواهد شد ولی اگر بیایستی حل میکنیم دو نفر مدعی العموم یا و کپل عمومی بطور دائمی لازم است در اینجا باین جمله را قید میکنیم .

مشیر الدوله - بنده عرض میکنم که اگر مقصود از در صورت لزوم این است که اینها موافقت خواهند بود برای اینکه مثلا يك یا دو جلسه يك محاکمه یا يك کاری رسیدگی کنند در این صورت باید نوشته شود که در صورت لزوم يك یا دو نفر موافقت مین خواهد شد برای اینکه این عبارت این طور مفه ماند که يك یا دو نفر در صورت لزوم مین و بطور دائمی مشغول خواهند بود و اگر اینطوری است که آقای بهجت فرمودند که باید فید شود که بموجب فرمان همایونی منصوب و قائم مقام مدعی العموم خواهند شد .

فهییم الملک - این طوریکه فرمودند مقصود قائم مقام شدن و کپل عمومی در موقع غیبت مدعی العموم نخواهد بود مقصود این است که اگر کار زیاد شود بطوری که مدعی العموم از عهده بر نیاید که بآنها برسد آنوقت دو نفر را بمنوان و کالت عمومی وزیر مالیه مین میکنند که در کارهای او کمک نمایند .

آقا شیخ غلامحسین - شاهزاده گویا اشتباه فرموده اند که و کپل عمومی باید بموجب فرمان همایونی منصوب شود در صورتیکه در قانون اساسی فید شده است که فقط رؤسای محاکمه بموجب فرمان همایونی مین خواهند شد .

رئیس - لازم نیست که همه چیزها در قانون اساسی ذکر شده باشد همیشه در مخالف قانون اساسی نباشد کافی است .

رئیس - رای میگیریم بماده (۱۸) با این اصلاحی که شده است .
ماده مزبور باصلاح عبارت ذیل فراتر شد .
ماده (۱۸) - وزیر مالیه در صورت لزوم يك یا دو نفر و کپل عمومی تصویب و با فرمان همایونی منصوب خواهند شد .

رئیس - کسانی که اینها را بطوریکه فراتر شد تصویب میکنند تمام بنایند (اغلب قیام نمودند)
ماده ۱۹ الحاقی کمیسیون عبارت ذیل خوانده شد ،
اعضاء و اجراء دیوان محاسبات باید قبل از شروع بکار قسم یاد کنند که از روی صحت و درستی بوظایف خود عمل نموده و نسبت بمملکت و ملت خیانت نخواهند کرد رئیس کل در مجلس شورای ملی وسایر اعضاء و اجراء در مجلس عمومی دیوان محاسبات در نزد رئیس کل قسم یاد میکنند .

معزز الملک - بنده مخالف باین جمله ماده (۱۹) که میگویی رئیس کل در مجلس شورای ملی قسم یاد بنمایند این اگر آن رابطه است که تصور میشود بین دیوان محاسبات و مجلس شورای ملی و اگر چه دیوان محاسبات از طرف مجلس شورای ملی نظارت در بودجه و محاسبات مملکت انتخاب میشود که دولت در خرجی که میکند بدانند که يك هیئت دیگری هم هست که مقیش است در کارهای او و عزل و نصب آن هیئت در دست او نیست و نظارت خواهد داشت و باینجه جلوگیری میشود از آن خطاهائی که ممکن است واقع شود ولی این نکته را نباید مقصود دانست که دیوان محاسبات يك اداره است که رئیس مجلس شورای ملی است و همچنین هیچک از ادارات وقتی که این نظر را پیدا کردیم که دیوان محاسبات رئیس مجلس شورای ملی نیست در اینصورت قسم خوردن رئیس دیوان محاسبات در مجلس شوری افو میشود شاید بنده بگویم که چون رئیس دیوان محاسبات را مجلس شورای انتخاب میکنند باید شمش هم در مجلس شوری باشد آنوقت جواب میتوانم گفت که انتخاب مجلس شوری اگر شرط باشد در اینکه در مجلس شورای ملی قسم بخورند مجلس شوری (۲۴) نفر اعضاء دیوان محاسبات را انتخاب میکنند پس باید تمام این (۲۲) نفر در مجلس قسم بخورند علی الغصوص که در این موقع میتوانم یادآوری کنم که يك ماده قانون اساسی ما اگر چه خواهد گفت مربوط باین نیست تاچه اندازه تقصیر میشود و آن این است که قانون اساسی اجازه میدهد در حوزه مجلس را فقط بوزیر و معاونین آنها داده است و یکسان دیگر این اجازه را نداده است و باین واسطه بنده بهتر این را بدانم که رئیس کل در همان مجلس عمومی دیوان محاسبات با حضور وزیر مالیه قسم بخورد و هیچ محتاج بآمدن در مجلس شوری نخواهد بود و اگر ما این حق را از رئیس دیوان محاسبات بگیریم و بگوئیم که لازم نیست در مجلس شوری قسم بخورد گمان میکنم که هیچ ضرری بامور دیوان محاسبات نرسد و بر استقلال که دارد سکنه ای وارد نباید و بخوبی بتواند رئیس کل از عهده انجام وظایف خود بر آید (در این موقع پیشنهادی از آقای معزز الملک بمبارت ذیل فراتر شد) ماده (۱۹) - رئیس و اعضاء و اجراء دیوان محاسبات باید قبل از شروع بکار در مجلس عمومی دیوان محاسبات در حضور وزیر مالیه قسم یاد کنند که از روی صحت و درستی بوظایف خود عمل نموده و نسبت بمملکت و ملت خود خیانت نخواهند کرد

حاج آقا - تصور میکنم در باب اعضاء و اجراء دیوان محاسبات و ارتباط آنها بوزارت مالیه آن مقداریکه باید صحبت شود در شورا اول صحبت شد دیگر نباید تجدید کنیم و باز يك ارتباطی بوزارت مالیه و دیوان محاسبات قائل شویم آن دفعه مسلک نمایندگان محترم از اعضاء دیوان محاسبات معلوم شد که مطابق قوانین اغلب ممالک متمدنه عالم مربوط بمجلس شورای ملی است و یکی باید مربوط بوزارت مالیه نبوده از ادارت دولتی متفصل باشد برای اینکه از قوه مجریه محسوب نمیشود بلکه حقیقتاً طبع مجلس است و حق نظارت دارد و از این جهت اگر ما بگوئیم رئیس کل دیوان محاسبات باید در حضور وزیر مالیه قسم بخورد معنیش این

است که این هم یکی از اداریاتی است که در تحت ریاست وزیر مالیه است و همان نظر که هر رئیس اداره پیش وزیر آن اداره و بزرگتر آن قسم بخورد این هم باید در حضور وزیر مالیه قسم بخورند و چنانچه وزراء هم باید نزد سلطان قسم بخورند و ما چون این نظرها داشتیم که این ابتدا راجع بوزارت مالیه نیست و یک هیئت ملی است و رئیس کل و همچنین رؤسای محاکم بفرمان پادشاه منصوب نمیشوند بلکه بانتهای مجلس است و همینکه مجلس آنها را بجهان ترتیبی که گفته شد انتخاب کرد بشکل خود بر قرار خواهند بود از این جهت گفتیم که خواهد شد پادر حضور وزیر مالیه باید قسم بخورد و گمان میکنم که اسباب اختلاف بشود و این مواد هیچ بیکدیگر مربوط نباشد و اسباب این شود که کارهای دیوان محاسبات پیشرفت نکند .

معاضد الملک - بنده تصور میکنم اینکه نوشته شده است در حضور وزیر مالیه اگر آقای معزز الملک اجازه بفرمایند که بجای آن نوشته شود در مجلس وزراء بهتر است و رفع توهم بعضیها خواهد شد .
معزز الملک - صحیح است مجلس وزراء اگر نوشته شود بهتر است .

آقا شیخ محمد - بنده بکلی باین ماده مخالف هستم بجهت اینکه راست است مادر قانون اساسی يك ماده راجع بقسم خوردن است ولی آقایان خوب است ملاحظه بفرمایند که اعمال اعضاء دیوان محاسبات قلبی نیست نمایش اعمال ظاهری است که انسان می تواند درستی و نادرستی آنرا بخوبی احساس کند و در این صورت بنده این را صحیح نمی دانم که مالیه ماده برای قسم در اینجا وضع کنیم برای اینکه این قسمی را که ما میگوئیم قسمی نیست که شرعاً يك حکمی بر او بار باشد و يك اثری بر آن مترتب شود این قسمی را که می خواهیم والان در آن باب مذاکره میکنیم فقط يك معاهده قلبی است و این معاهده هم چندان برای اعضاء دیوان محاسبات فایده ندارد دیگر اینکه آنها را یادآوریم زیرا که جریمهای که اگر فرضاً خیانت کردند آن جریمه گرفته شود تا اینکه آن چیز آنها را الزام کند که صحیحاً رفتار نمایند و خیانت نکنند والا قسم خوردن بر آن یا بوالله و بالله خودش هم صحیح نیست و فایده ندارد باین جهت بنده مقیده ام اینست که اصلاً بودن این ماده در اینجا فایده ندارد و خوب است آنرا بردارند و بجای آن يك ماده نوشته شود که مجازات خیانت اینها را مین نمایاند که اگر فرضاً خیانتی و نادرستی در کار از آنها دیده شد فلان قسم مجازات خواهند شد والا این قسم قسم خوردن را بنده بی فایده بلکه مضر میدانم مقام و کلاه پادشاه و نایب السلطنه که قسم میخورند آنها هم اگر شرعی باشد برای این است که اعمال آنها يك طور است که قلبی است و برای مقیده کار میکنند مثل اعمال اعضاء دیوان محاسبات که حساب است و ظاهر مین است و هر محاسبی میتواند معلوم بکند که خیانت کرده است یا درست کار کرده است از این گذشته ما اشخاص متدین باشرف را باید برای ابتکار انتخاب کنیم و

است که این هم یکی از اداریاتی است که در تحت ریاست وزیر مالیه است و همان نظر که هر رئیس اداره پیش وزیر آن اداره و بزرگتر آن قسم بخورد این هم باید در حضور وزیر مالیه قسم بخورند و چنانچه وزراء هم باید نزد سلطان قسم بخورند و ما چون این نظرها داشتیم که این ابتدا راجع بوزارت مالیه نیست و یک هیئت ملی است و رئیس کل و همچنین رؤسای محاکم بفرمان پادشاه منصوب نمیشوند بلکه بانتهای مجلس است و همینکه مجلس آنها را بجهان ترتیبی که گفته شد انتخاب کرد بشکل خود بر قرار خواهند بود از این جهت گفتیم که خواهد شد پادر حضور وزیر مالیه باید قسم بخورد و گمان میکنم که اسباب اختلاف بشود و این مواد هیچ بیکدیگر مربوط نباشد و اسباب این شود که کارهای دیوان محاسبات پیشرفت نکند .

معزز الملک - بنده تصور میکنم اینکه نوشته شده است در حضور وزیر مالیه اگر آقای معزز الملک اجازه بفرمایند که بجای آن نوشته شود در مجلس وزراء بهتر است و رفع توهم بعضیها خواهد شد .
معزز الملک - صحیح است مجلس وزراء اگر نوشته شود بهتر است .

آقا شیخ محمد - بنده بکلی باین ماده مخالف هستم بجهت اینکه راست است مادر قانون اساسی يك ماده راجع بقسم خوردن است ولی آقایان خوب است ملاحظه بفرمایند که اعمال اعضاء دیوان محاسبات قلبی نیست نمایش اعمال ظاهری است که انسان می تواند درستی و نادرستی آنرا بخوبی احساس کند و در این صورت بنده این را صحیح نمی دانم که مالیه ماده برای قسم در اینجا وضع کنیم برای اینکه این قسمی را که ما میگوئیم قسمی نیست که شرعاً يك حکمی بر او بار باشد و يك اثری بر آن مترتب شود این قسمی را که می خواهیم والان در آن باب مذاکره میکنیم فقط يك معاهده قلبی است و این معاهده هم چندان برای اعضاء دیوان محاسبات فایده ندارد دیگر اینکه آنها را یادآوریم زیرا که جریمهای که اگر فرضاً خیانت کردند آن جریمه گرفته شود تا اینکه آن چیز آنها را الزام کند که صحیحاً رفتار نمایند و خیانت نکنند والا قسم خوردن بر آن یا بوالله و بالله خودش هم صحیح نیست و فایده ندارد باین جهت بنده مقیده ام اینست که اصلاً بودن این ماده در اینجا فایده ندارد و خوب است آنرا بردارند و بجای آن يك ماده نوشته شود که مجازات خیانت اینها را مین نمایاند که اگر فرضاً خیانتی و نادرستی در کار از آنها دیده شد فلان قسم مجازات خواهند شد والا این قسم قسم خوردن را بنده بی فایده بلکه مضر میدانم مقام و کلاه پادشاه و نایب السلطنه که قسم میخورند آنها هم اگر شرعی باشد برای این است که اعمال آنها يك طور است که قلبی است و برای مقیده کار میکنند مثل اعمال اعضاء دیوان محاسبات که حساب است و ظاهر مین است و هر محاسبی میتواند معلوم بکند که خیانت کرده است یا درست کار کرده است از این گذشته ما اشخاص متدین باشرف را باید برای ابتکار انتخاب کنیم و

معزز الملک - بنده تصور میکنم اینکه نوشته شده است در حضور وزیر مالیه اگر آقای معزز الملک اجازه بفرمایند که بجای آن نوشته شود در مجلس وزراء بهتر است و رفع توهم بعضیها خواهد شد .
معزز الملک - صحیح است مجلس وزراء اگر نوشته شود بهتر است .

آقا شیخ محمد - بنده بکلی باین ماده مخالف هستم بجهت اینکه راست است مادر قانون اساسی يك ماده راجع بقسم خوردن است ولی آقایان خوب است ملاحظه بفرمایند که اعمال اعضاء دیوان محاسبات قلبی نیست نمایش اعمال ظاهری است که انسان می تواند درستی و نادرستی آنرا بخوبی احساس کند و در این صورت بنده این را صحیح نمی دانم که مالیه ماده برای قسم در اینجا وضع کنیم برای اینکه این قسمی را که ما میگوئیم قسمی نیست که شرعاً يك حکمی بر او بار باشد و يك اثری بر آن مترتب شود این قسمی را که می خواهیم والان در آن باب مذاکره میکنیم فقط يك معاهده قلبی است و این معاهده هم چندان برای اعضاء دیوان محاسبات فایده ندارد دیگر اینکه آنها را یادآوریم زیرا که جریمهای که اگر فرضاً خیانت کردند آن جریمه گرفته شود تا اینکه آن چیز آنها را الزام کند که صحیحاً رفتار نمایند و خیانت نکنند والا قسم خوردن بر آن یا بوالله و بالله خودش هم صحیح نیست و فایده ندارد باین جهت بنده مقیده ام اینست که اصلاً بودن این ماده در اینجا فایده ندارد و خوب است آنرا بردارند و بجای آن يك ماده نوشته شود که مجازات خیانت اینها را مین نمایاند که اگر فرضاً خیانتی و نادرستی در کار از آنها دیده شد فلان قسم مجازات خواهند شد والا این قسم قسم خوردن را بنده بی فایده بلکه مضر میدانم مقام و کلاه پادشاه و نایب السلطنه که قسم میخورند آنها هم اگر شرعی باشد برای این است که اعمال آنها يك طور است که قلبی است و برای مقیده کار میکنند مثل اعمال اعضاء دیوان محاسبات که حساب است و ظاهر مین است و هر محاسبی میتواند معلوم بکند که خیانت کرده است یا درست کار کرده است از این گذشته ما اشخاص متدین باشرف را باید برای ابتکار انتخاب کنیم و

معزز الملک - بنده تصور میکنم اینکه نوشته شده است در حضور وزیر مالیه اگر آقای معزز الملک اجازه بفرمایند که بجای آن نوشته شود در مجلس وزراء بهتر است و رفع توهم بعضیها خواهد شد .
معزز الملک - صحیح است مجلس وزراء اگر نوشته شود بهتر است .

آقا شیخ محمد - بنده بکلی باین ماده مخالف هستم بجهت اینکه راست است مادر قانون اساسی يك ماده راجع بقسم خوردن است ولی آقایان خوب است ملاحظه بفرمایند که اعمال اعضاء دیوان محاسبات قلبی نیست نمایش اعمال ظاهری است که انسان می تواند درستی و نادرستی آنرا بخوبی احساس کند و در این صورت بنده این را صحیح نمی دانم که مالیه ماده برای قسم در اینجا وضع کنیم برای اینکه این قسمی را که ما میگوئیم قسمی نیست که شرعاً يك حکمی بر او بار باشد و يك اثری بر آن مترتب شود این قسمی را که می خواهیم والان در آن باب مذاکره میکنیم فقط يك معاهده قلبی است و این معاهده هم چندان برای اعضاء دیوان محاسبات فایده ندارد دیگر اینکه آنها را یادآوریم زیرا که جریمهای که اگر فرضاً خیانت کردند آن جریمه گرفته شود تا اینکه آن چیز آنها را الزام کند که صحیحاً رفتار نمایند و خیانت نکنند والا قسم خوردن بر آن یا بوالله و بالله خودش هم صحیح نیست و فایده ندارد باین جهت بنده مقیده ام اینست که اصلاً بودن این ماده در اینجا فایده ندارد و خوب است آنرا بردارند و بجای آن يك ماده نوشته شود که مجازات خیانت اینها را مین نمایاند که اگر فرضاً خیانتی و نادرستی در کار از آنها دیده شد فلان قسم مجازات خواهند شد والا این قسم قسم خوردن را بنده بی فایده بلکه مضر میدانم مقام و کلاه پادشاه و نایب السلطنه که قسم میخورند آنها هم اگر شرعی باشد برای این است که اعمال آنها يك طور است که قلبی است و برای مقیده کار میکنند مثل اعمال اعضاء دیوان محاسبات که حساب است و ظاهر مین است و هر محاسبی میتواند معلوم بکند که خیانت کرده است یا درست کار کرده است از این گذشته ما اشخاص متدین باشرف را باید برای ابتکار انتخاب کنیم و

معزز الملک - بنده تصور میکنم اینکه نوشته شده است در حضور وزیر مالیه اگر آقای معزز الملک اجازه بفرمایند که بجای آن نوشته شود در مجلس وزراء بهتر است و رفع توهم بعضیها خواهد شد .
معزز الملک - صحیح است مجلس وزراء اگر نوشته شود بهتر است .

آقا شیخ محمد - بنده بکلی باین ماده مخالف هستم بجهت اینکه راست است مادر قانون اساسی يك ماده راجع بقسم خوردن است ولی آقایان خوب است ملاحظه بفرمایند که اعمال اعضاء دیوان محاسبات قلبی نیست نمایش اعمال ظاهری است که انسان می تواند درستی و نادرستی آنرا بخوبی احساس کند و در این صورت بنده این را صحیح نمی دانم که مالیه ماده برای قسم در اینجا وضع کنیم برای اینکه این قسمی را که ما میگوئیم قسمی نیست که شرعاً يك حکمی بر او بار باشد و يك اثری بر آن مترتب شود این قسمی را که می خواهیم والان در آن باب مذاکره میکنیم فقط يك معاهده قلبی است و این معاهده هم چندان برای اعضاء دیوان محاسبات فایده ندارد دیگر اینکه آنها را یادآوریم زیرا که جریمهای که اگر فرضاً خیانت کردند آن جریمه گرفته شود تا اینکه آن چیز آنها را الزام کند که صحیحاً رفتار نمایند و خیانت نکنند والا قسم خوردن بر آن یا بوالله و بالله خودش هم صحیح نیست و فایده ندارد باین جهت بنده مقیده ام اینست که اصلاً بودن این ماده در اینجا فایده ندارد و خوب است آنرا بردارند و بجای آن يك ماده نوشته شود که مجازات خیانت اینها را مین نمایاند که اگر فرضاً خیانتی و نادرستی در کار از آنها دیده شد فلان قسم مجازات خواهند شد والا این قسم قسم خوردن را بنده بی فایده بلکه مضر میدانم مقام و کلاه پادشاه و نایب السلطنه که قسم میخورند آنها هم اگر شرعی باشد برای این است که اعمال آنها يك طور است که قلبی است و برای مقیده کار میکنند مثل اعمال اعضاء دیوان محاسبات که حساب است و ظاهر مین است و هر محاسبی میتواند معلوم بکند که خیانت کرده است یا درست کار کرده است از این گذشته ما اشخاص متدین باشرف را باید برای ابتکار انتخاب کنیم و

معزز الملک - بنده تصور میکنم اینکه نوشته شده است در حضور وزیر مالیه اگر آقای معزز الملک اجازه بفرمایند که بجای آن نوشته شود در مجلس وزراء بهتر است و رفع توهم بعضیها خواهد شد .
معزز الملک - صحیح است مجلس وزراء اگر نوشته شود بهتر است .

آقا شیخ محمد - بنده بکلی باین ماده مخالف هستم بجهت اینکه راست است مادر قانون اساسی يك ماده راجع بقسم خوردن است ولی آقایان خوب است ملاحظه بفرمایند که اعمال اعضاء دیوان محاسبات قلبی نیست نمایش اعمال ظاهری است که انسان می تواند درستی و نادرستی آنرا بخوبی احساس کند و در این صورت بنده این را صحیح نمی دانم که مالیه ماده برای قسم در اینجا وضع کنیم برای اینکه این قسمی را که ما میگوئیم قسمی نیست که شرعاً يك حکمی بر او بار باشد و يك اثری بر آن مترتب شود این قسمی را که می خواهیم والان در آن باب مذاکره میکنیم فقط يك معاهده قلبی است و این معاهده هم چندان برای اعضاء دیوان محاسبات فایده ندارد دیگر اینکه آنها را یادآوریم زیرا که جریمهای که اگر فرضاً خیانت کردند آن جریمه گرفته شود تا اینکه آن چیز آنها را الزام کند که صحیحاً رفتار نمایند و خیانت نکنند والا قسم خوردن بر آن یا بوالله و بالله خودش هم صحیح نیست و فایده ندارد باین جهت بنده مقیده ام اینست که اصلاً بودن این ماده در اینجا فایده ندارد و خوب است آنرا بردارند و بجای آن يك ماده نوشته شود که مجازات خیانت اینها را مین نمایاند که اگر فرضاً خیانتی و نادرستی در کار از آنها دیده شد فلان قسم مجازات خواهند شد والا این قسم قسم خوردن را بنده بی فایده بلکه مضر میدانم مقام و کلاه پادشاه و نایب السلطنه که قسم میخورند آنها هم اگر شرعی باشد برای این است که اعمال آنها يك طور است که قلبی است و برای مقیده کار میکنند مثل اعمال اعضاء دیوان محاسبات که حساب است و ظاهر مین است و هر محاسبی میتواند معلوم بکند که خیانت کرده است یا درست کار کرده است از این گذشته ما اشخاص متدین باشرف را باید برای ابتکار انتخاب کنیم و

بده هیچ گمان ندارم که انسان مایل باشف بیجهت برود و خیانت کند و در صورتی هم که خیانت کند قسم خوردن فایده ندارد باید مطابق یک ماده که باید وضع شود مجازات آن آدم را مبنی کنیم این جهت بنده مخالف با این ماده و اگر آقایان تصویب می فرمایند خوب است این ماده حذف شود .

فهییم الملك - اگر آقای آقا شیخ محمد در قسم خوردن این نظر را داشته باشد فقط اختصاص باعضاء دیوان محاسبات ندارد شامل تمام موارد میشود و حال اینکه برهیت و هر فردی که داخل یک شغلی در ادارات میشوند باید نزد رئیس خودشان در بدو ورود قسم بخورند که بد رستی شغل خودشان را انجام بدهند و خیانت نکنند و این عمومی است و برای طبقه مستخدمین خواهد بود حالا اگر او اینی برای مستخدمین ادارات وضع و تدوین نشده است ربطی به طلب ندارد در جاهائی که هست این ترتیب معمول است و با وجود تمام ترتیبات تنقیح و شرایطی که برای داخل شدن در کاری مبنی است یکی از آن شرایط این است که در ابتدای ورود بکار باید قسم بخورد پس این یک مسئله عمومی است و اختصاص به دیوان محاسبات ندارد و این که فرمودند کار اینها قلبی نیست تا اینکه محتاج قسم باشد بلکه کار معمولی است که محاسبی می تواند به آن رسیدگی کند اینطور نیست بجهت اینکه دیوان محاسبات هم مسکه دارد و مثل محاکم عدلیه باید در کارها رسیدگی و محاکمه نماید پس از آنکه معلوم شد حکم بدهند نهایت یک هیئت حاکمه است و این خودش یک کار و اعمال قلبی است و قسم باید بخورند حالا با در مجلس شورای ملی یا در مجلس عمومی دیوان محاسبات در این مطلب تقریباً عقاید مختلف است و اینکه در این ماده ذکر شده است که در مجلس شورای ملی بملاحظه این بود که هیئت دیوان محاسبات یک هیئتی است که تقریباً کمک میکند به مجلس یعنی تنقیح و نظارتی را که در محاسبات مملکت بر حسب قانون مجلس شورای ملی حق دارد چون ممکن نیست که خود مجلس انجام بدهد یک هیئتی را که دیوان محاسبات اسمش را گذشته اند باید شرایطی مبنی مینمایند که کمک کنند و رسیدگی باینکار بشایند و در حقیقت از برای مجلس کار میکنند حالا در مجلس شورای ملی قسم خوردن هم ایراد آقای معزز الملک وارد است زیرا که قانون اساسی مانع بوزراء و معاونین آنها اجازه ورود به مجلس داده است پس اگر بنا باشد از مجلس شورای ملی خارج شود دیگر حضور وزیر مالیه یا هیئت وزراء لازم نخواهد بود برای اینکه ما نمیخواهیم بوزیر مالیه با هیئت وزراء مخالفت بکنند بلکه میخواهیم وظایف و تکالیف خودمان را انجام بدهند برای این کار از مجلس شورای ملی که گذشت همان در مجلس عمومی دیوان محاسبات که قسم بخورند کافی است زیرا که با این ترتیب قسم خوردن در حضور وزیر مالیه یا هیئت وزراء آنها را ملزم نمیکند که وظایف را که بدهند گرفته اند بطور صحیح انجام بدهند در این موقع پیشنهادی از طرف آقا شیخ محمد خیابانی قرائت گامده (۱۹) یکی حذف شود .

رئیس - اول رأی بگیریم بر پیشنهاد آقای

خیابانی که پیشنهاد کرده اند ایشان بکلی از این قانون حذف شود گمانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (رودند)

رئیس - حالا رأی بگیریم بر پیشنهاد آقای معزز الملک .

معزز الملک - مقصود بنده این نیست که حکما اعضاء دیوان محاسبات با حضور وزیر مالیه در مجلس عمومی دیوان محاسبات قسم بخورند مقصود بنده این است که منافات کلی می بینم بین اینکه رئیس کل که سمت وزارت یا معاونت را ندارد بیاید در مجلس شورای قسم بخورد و شاید یک عده هم بواسطه همین سکه با حضور وزیر مالیه یا این پیشنهاد بنده موافق نباشند و مخالفت کنند و چون بنده باین کلمه اصراری ندارم لازم است عرض کنم که بنده بآن قسم با حضور وزیر مالیه هیچ اهمیتی نمی دهم و اصراری ندارم عده مقصود بنده این است که رئیس دیوان محاسبات نباید در مجلس قسم بخورد و مجدداً پیشنهاد مزبور با اصلاح ذیل خوانده شد .

ماده ۱۹ - رئیس و اجزاء دیوان محاسبات باید قبل از شروع بکار در مجلس عمومی دیوان محاسبات قسم یاد کنند که از روی صحت و درستی بوظایف خود عمل نموده نسبت بدولت و ملت خود خیانت نخواهند کرد .

رئیس - رأی می گیریم بر این پیشنهاد آقای معزز الملک که پیشنهاد کرده اند

ماده ۱۹ قانون دیوان محاسبات این طور با این اصلاحی که شده است نوشته شود کسانی که باین پیشنهاد موافق قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند با اکثریت تصویب شد)

(ماده ۱ - پیشنهاد وزیر بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۱۹ مسائل راجعه به تنقیح و ترفیع و عزل اعضاء و اجزاء دیوان محاسبات با حضور اعضاء تمام محاکمات مطرح مذاکره شده بوزارت مالیه پیشنهاد و بعد با تصویب وزارت مالیه فرمان همایونی صادر میشود (کمیسیون ماده مزبور را این طور پیشنهاد کرده بود) .

ماده ۲۰ - مسائل راجعه به عزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضای وزیر مالیه یا رئیس کل دیوان محاسبات با حضور اعضاء تمام محاکم مذاکره و اخذ رأی شده و بتوسط وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد و کسب تکلیف میشود در ایام تعطیل مجلس شورای ملی اگر عضوی قابل انفصال شد وقتاً از کار خارج میشود تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی تکلیف او معلوم شود .

حاج شیخعلی - چون اعضاء دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی معین میکند عزلشان را بنده عقیده نداشتم از مجرای دیگری بشود در اینجا مینویسد مسائل راجعه به عزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضای وزیر مالیه [عزل اعضاء دیوان محاسبات جز بظهور خیانت] عقیده بنده این است که از راه دیگری نشود که وزیر مالیه تقاضا بکند که مثلا فلان عضو باید عزل شود یا موقع انفصال آنها که

در مواد سابق گذشت و بنده این عبارت بتقاضای وزیر مالیه را در اینجا هیچ مناسب میدانم و پیشنهاد میکنم که همینطور نوشته شود .

فهییم الملك - اولاً استدعا میکنم بعد از یائین آمدن بنده از کرسی نطق آقای حاج شیخعلی تشریف بیاورند و توضیحاتی در باب پیشنهاد خودشان بفرمایند که اینکه نوشته اند بموجب قانون خواهد بود این قانون کجا است بعد این ماده را پیشنهاد نمایند و هم خوب است اول در خورد ماده تأملی بفرمایند بعد اگر عیبی بنظرشان آمد پیشنهاد بکنند اینجا بعد از جمله مسائل راجعه به عزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضای وزیر مالیه یا رئیس کل نوشته شده است با حضور تمام اعضاء محاکمه مذاکره و اخذ رأی شده بعد از تصویب بتوسط وزیر مالیه پیشنهاد مجلس میشود در این صورت گمان نمیکند که در این خصوص تأملی باشد مقصود از این ماده این است که وقتی که وزیر مالیه بخیانت یا نادرستی یکی از این اعضاء ملتفت شد بر رئیس کل می گوید یا اینکه هر دوی آنها که ملتفت شدند باید مجلس عمومی دیوان محاسبات را تشکیل بدهند و این مطلب را در آنجا مطرح مذاکره قرار بدهند اگر اکثریت حاصل شد آنوقت بتوسط وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد بکنند که تکلیف را معلوم نمایند و با این همه سختیها اگر عزل یک نفر از اعضاء دیوان محاسبات ممکن نشود پس اگر یک وقتی بیک حرکت خلاف قانونی از آنها صادر شد چه باید کرد آیا باید تحمل کرد و هیچ تکلفت حالا شما می فرمایید باید خیانت و تقصیر نکنند اینجا هم نگفته اند که خیانت و تقصیر کرده اند گفته اند که مسائل راجعه به عزل اعضاء و اجزاء دیوان محاسبات بتقاضای وزیر مالیه یا رئیس کل در مجلس عمومی مطرح شده پس از تصویب بتوسط وزیر مالیه پیشنهاد مجلس شورای ملی میشود و مجلس رأی بدهد چون بعد مواد دیگری هم که راجع به ترتیب اداری آنها و انتظامات اداری و تکالیف اعضاء و غیره نوشته خواهد شد و در آن موقع یکی از مضایب که معین خواهد شد راجعه به عزل اعضاء خواهد بود و در آن خصوص برای اینکه اختیار تمامه بوزیر مالیه و رئیس کل داده شده باشد که هر وقت بخواهند آنها را از کار خارج کنند این طور قرار داده شد که با حضور اعضاء در مجلس عمومی مذاکره شود و معلوم شود که این اظهار وزیر مالیه یا رئیس کل صحیح است یا ناصحیح در صورتیکه صحیح دانستند آنوقت بمجلس بیاید برای اینکه آن شخص چون منتخب مجلس است کسی دیگر نتواند او را خارج کند آن وقت مجلس هم اگر متقاعد شد خارج شود دیگری را بجای او انتخاب نمایند و همچنین یک جمله دارد که در موقع تعطیل مجلس اگر معین شد که یکی از اعضاء خیانتی کرده است یا اینکه فرضاً دزدی کرده است و نادرستی در حساب کرده است در مجلس عمومی هم تصویب کرد که این شخص مرتکب خیانتی شده است و باید عزل شود موقتاً او را از کار خارج کنند تا وقتی که مجلس شورای ملی افتتاح شود و پیشنهاد شده کسب تکلیف شود

حاج سید ابراهیم - بنده موافقم با آقای مخبر که البته هر کسی را که مابرسریک کاری و امیداریم اگر خوف عزل نداشته باشد داخلین داشته باشد که تا مدت معینی نمی توانند او را از کار خارج نمایند خیلی مجلس را دچار محظورات خواهد کرد پس باین واسطه این ماده را بنده خیلی لازم می دانم ولی اینجا نوشته شده است مسائل راجعه به عزل اعضاء دیوان محاسبات را از مدعی الموم اسمی برده است و چون مدعی الموم از اعضاء دیوان محاسبات محسوب نمیشود ازین جهت لازم است که ذکر از آن بشود یک حدی هم برای عزل او معین شود که اگر محتاج به عزل شدند سلطان او را عزل میکنند یا وزیر مالیه دیگری اینکه این عبارت کسب تکلیف میشود را هم بنده وافی برام نمیدانم برای اینکه این که نوشته شده است بعد از آنی که وزیر مالیه یا رئیس کل دیوان محاسبات تقاضا کرد و در مجلس عمومی دیوان محاسبات مذاکره شد و با اتفاق یا اکثریت آراء انفصال آن عضو تصویب شد آنوقت بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد در مراد این است که کسب تکلیف میشود و مجلس رأی میدهد در ابقاء او یا اینکه دیگری را بجای او انتخاب میکنند پس در صورتی که بالاخره منجر باینجا میشود دیگر محتاج باین نخواهد بود که یکی از اعضاء دیوان محاسبات به تمام اعضاء با اتفاق یا با اکثریت رأی بر انفصال او داده اند مجلس و رأی ملی را در ابقاش بدهد در این واسطه شاید اسباب زحمت سایر اعضاء دیوان محاسبات فراهم شود و باید نوشته شود که بعد از آنی که مجلس عمومی دیوان محاسبات با اکثریت انفصال آن عضو را تصویب کرد بمجلس شورای ملی پیشنهاد در مجلس شورای ملی عرض او را انتخاب مینمایند و دیگر این عبارت آخری را هم من اشکال دارم که میکویید در ایام تعطیل مجلس شورای ملی اگر عضوی قابل انفصال شد موقتاً از کار خارج میشود تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی تکلیف او معلوم شود عرض میکنم که قابلیت انفصال بچند چیز است یا باین است که مدت خدمت سر آمده باشد یا اینکه دیوان محاسبات رأی داده باشد یا بواسطه فرقه و اینجا اگر مراد اخراج بقرهه است چنانچه عبارت هم شامل آن میشود که این هیچ معنی ندارد بجهت اینکه وقتی که مجلس نرعه میزند چهار نفر معین را منضم میکند و بجای آنها انتخاب جدید مینماید و در هر سالی در بین ۲۲ نفر اعضاء دیوان محاسبات چهار نفر غیر معین قابل انفصال و اخراج بقرهه باشند که وقتی که مجلس تعطیل باشد و موقع انفصال آنها برسد چون مجلس معتقد نیست که آنها را بقرهه معین کند معلوم نیست که آنها قابل انفصالند تا اینکه موقتاً از کار خارج بشوند پس این عبارت هم از این حیث قدری ناصح است و اگر مراد از انفصال این است که کسانی که بقرهه مجلس منضم شده اند و مجلس هوششان را انتخاب کرده است یا اینکه مدت خدمتشان سر آمده است دیگر محتاج بقابل انفصال شدن برای دیوان محاسبات نخواهد بود و از این حیث هم این

عبارت ناصح است باید اصلاح شود .

فهییم الملك - در خصوص این جزء که از مجلس کسب تکلیف می شود همانطور که گفته شد بملاحظه این نیست که کسی را که مجلس انتخاب نمود و شغلی برقرار کرد دیوان محاسبات نمی تواند او را منضم کند فقط میتواند در آن خصوص رسیدگی کند و این وقت آن را بمجلس شورای ملی بدهد دیگری نمیتواند بگوید که او معزول است برای اینکه ممکن است مجلس بآن دلایلی که مجلس عمومی دیوان محاسبات اظهار می دارد معتقد نشود عزل او را مجلس باید معین و معلوم نماید که این شخص تقصیر کرده است و معزول است دیگری را بجای او انتخاب کند یا اینکه مقصر نیست و باید بجای خودش باقی باشد هیچ وقت رأی مجلس عمومی دیوان محاسبات نمیتواند مجلس را از ازام کند تا اینکه بفرمایش آقای حاج سید ابراهیم نوشته شود که پس از تصویب مجلس عمومی دیوان محاسبات مجلس شورای ملی باید عوض آن عضو را انتخاب کند و رأی داد بتوسط وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود و مجلس آن را تصویب یا رد کند اما در خصوص قابل انفصال مقصود از این عزل است یعنی اگر در مجلس عمومی در خصوص خیانت و نادرستی یک عضو مذاکره شد و مجلس عمومی دیوان محاسبات انفصال و عزل آن عضو از آن شغل رأی داد و مجلس هم در آن موقع تعطیل بود آن عضو موقتاً از آن شغل منضم میشود تا بعد از افتتاح مجلس پیشنهاد شود و تکلیف او معلوم شود در این موقع در فقره پیشنهاد بقراد ذیل قرائت شد .

اول - از طرف آقای حاج شیخعلی (عزل اعضاء دیوان محاسبات موافق قانون خواهد بود) دریم از طرف آقای کاشف [بنده پیشنهاد میکنم که قسمت آخر ماده [۲۰] که نوشته شده است در ایام تعطیل تا آخر ماده حذف شود] .

حاج شیخعلی - اینکه آقای مخبر فرمودند که بموجب کدام قانون مادر قانون اساسی خیلی مواد داریم که تمام آنها راجع بقانون میکنند البته خیانت درجات دارد و مجازات آنها درجات دارد و این که ما میخواهیم عزل بکنیم اعضاء دیوان محاسبات را برای رؤسای محاکم بگذاریم گویا این اسباب این بشود که بعد ما دچار محظورات بشویم این معلوم است که ما خدمتکار صدیق ما داریم اولی ممکن است که بکنند در دیوان محاسبات خیلی خوب خدمت کند و از روی صداقت رفتار نماید و اکثری موافق میلشان نباشد برای اینکه او بیل آنها رفتار نکند آنوقت انسان چون جایز الخطا است یک خطای کوچکی از او سر بزند آنوقت سایرین آن را بهانه فرار بدهند و او را عزل بکنند و نایک قانونی بجهت مجازات خیانتهای اعضاء دیوان محاسبات وضع نشود و اگر گذار کردن را بنده عقیده ندارم .

ارباب کبخی - این یک اشتباهی شده است که لازم است توضیح شود و آن این است

که فقط در قانون اساسی ممکن است یک همچو چیزی بنویسد که بموجب قانون دوسا بر قوانین اگر یک چیزی بنویسد باید معین کنند و اینکه بفرمایند ممکن است در بین اعضاء دیوان محاسبات بکنند صدیق و درست کار باشد این مثل این است که سایر اعضاء بدخواهند بود علاوه بر این بنده گمان نمیکند اگر کسی خوب باشد و خوب کار بکند بشود خطا نماید از این جهت عقیده بنده این است که پیشنهاد کمیسیون بهتر است و خوب است همان رأی گرفته شود .

رئیس - حالا باید رأی بگیریم بر این پیشنهادها اول رأی بگیریم بر پیشنهاد آقای حاج شیخعلی کسانی که پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند و رد شد) .

رئیس - حالا رأی بگیریم بر پیشنهاد آقای کاشف .

کاشف - قسمت اخیر این ماده بکلی منافی با اصل مقصود و تشکیل دیوان محاسبات است بجهت اینکه همینکه معلوم شد مجلس باید اعضاء دیوان محاسبات را انتخاب کند نمیتوان اختیار داد بوزیر که آنها را منضم از شغل خود نماید از این جهت بنده بودن این جمله منافی دیدم با اساس اینکار برای اینکه فایده های پر در دیوان محاسبات مترتیب است چون طرف خود وزیر مالیه است نمیتوانم اختیار آنرا واگذار کنیم بخود وزیر مالیه که در موقعی که مجلس شورای ملی تعطیل است که بتواند اعضاء آنرا منضم کند از این جهت بنده پیشنهاد کردم که قسمت اخیر این ماده که نوشته است در موقع تعطیل مجلس تا آخر ماده حذف شود و در باقی مطالب آن ماده هیچ عیب نمی بینم .

(پیشنهادی از طرف آقای معزز الملک بعبارت ذیل قرائت شد) .

تصدیق عزل اعضاء دیوان محاسبات بعد از صدور حکم مجلس عمومی دیوان محاسبات بمجلس شورای ملی است و در ایام تعطیل مجلس شورای ملی عضو محکوم موقتاً از کار خارج تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی عزل او را تصدیق نمایند .

حسینعلی خان - در این پیشنهادی که آقای کاشف کردند اظهار کردند که در قیبت مجلس این حق را نباید بوزیر مالیه بدهند که یکی از اعضاء را منضم کند مفاد این ماده که اینجا نوشته شده است این قسمتی را که بنده خوانده ام هیچ نرسد آن عضو منضم خواهد شد می گوید موقتاً از کار خارج میشود و بعد از آنی که مجلس معتقد شد تکلیف او را از مجلس میخواهند و بدیهی است که اگر از یک عضو خطائی سر بزند نمی شود گفت چون مجلس دائر نیست نباید این کار را بکنند و بگذارند که آن عضو تجدید خلاف بکند و بگویند که ما نمی توانیم دست باو بزنیم برای اینکه مجلس تعطیل است و بنده مصلحت میدانم که مخصوصاً این جمله باشد و الا بقرهه بنده تولید خیلی اشکالات خواهد شد و اما اینکه آقای آقا شیخعلی گفتند که در این ماده فید شود انفصال اعضاء دیوان محاسبات

مطابق قانون خواهد بود کلیتاً بنده در این ماده چنانچه در شور اول وهم در شور ثانی مذاکره شد چنانچه حل نمیکند که این قانون آرزوی که از مجلس گذشت اگر چه شاید تا یکسال یا شش ماه دیگر ملتفت نشود ولی باید از یک مدتی چهار یک اشکالاتی بشود یعنی مجلس آرزوی حل بکنند ملتفت بشود که مجلس امروز ملتفت نبود این قانون طوری از مجلس گذشته است که ابتدا واقفایش چندان مناسبتی ندارد اینجا مذاکره میشود که اعضای دیوان محاسبات يك هیت ملی هستند این يك حرف خیلی صحیح است بجهت اینکه قانون اساسی ما بما میگوید که اعضاء آرا ما باید انتخاب کنیم ولی ترتیب انتخاب و مشوریت دیوان محاسبات وشکل کار کردن دیوان محاسبات را اولاً قانون اساسی ما نمیگوید معلوم میکند بتوانی که ما میگوییم در آن مرتبه بنده مشروحاً عرض کردم که این هیت را ما جزه گامیک از نوای مملکت محسوب خواهیم داشت امروز هم آقای محمد هاشم میرزا شرحی در این خصوص اظهار کردند این مسئله را بنده شخصاً خیلی اهمیت میدهم برای اینکه يك نکته ای را ذکر کردند که اگر آقایان تأمل بفرمایند ملتفت میشوند که اگر این مطالب امروز مین نشود کارشان خیلی مشکل خواهد شد و آن این است که چه طور میتوانیم بگوئیم يك هیتی که در مملکت اینکار به این بزرگی را در دست دارند مسئول کسی نخواهند بود میفرمایند مسئول مجلس خواهند بود چه طور مسئول مجلس خواهند بود ما که این را يك وزارتخانه نمی شناسیم تا اینکه رئیس کل دیوان محاسبات سمت يك وزیر مسئولی بتواند در مجلس طرف استیضاح و سؤال واقع شود پس اگر يك وقتی در خود دیوان محاسبات يك اتفاقی بیفتد و سوء رفتاری بشود که مجلس لازم بداند که سؤال یا استیضاح نماید از کی خواهد کرد اینجا مکرر صحبت امروز مایه میشود که مثلا باید اعضاء دیوان محاسبات در حضور او قسم بخورند فوراً صدا بلند می شود یا اینکه باید وزیر ماله در عزل آنها نظری داشته باشد فوراً شدت میکنیم بنده بخوام بدانم وزیر ماله آیا مسئول ماله مملکت در مقابل مجلس هست یا نیست مسلم است که تا آن ساعتی که وزیر بنده وزارت نشسته است مسئول است و شما او را خواهید آورد و از او استیضاح و سؤال خواهید کرد و ورقه آبی را برای او خواهد کشید پس وقتی که وزیر ماله مسئول مجلس است باید نظرش احاطه داشته باشد بتمام ادارات راجع امور ماله بنده عرض نمی کنم که دیوان محاسبات هم یکی از شعب ورشته ای وزارت ماله شود بلکه عرض میکنم همانطور که در سایر ممالک این اداره را تأسیس کرده اند شما هم همانطور تأسیس کنید در فرانسه دیوان محاسبات آن را نظری بیندازید به پیش او شش چه بوده است و حالا چه شده است مجلس شورای ملی اول فرستاد از آنجائی که دولت را از خودشان مجزا میدانستند و میخواستند در امورات او تفتیش کنند گفتند يك کمیسیونی برای تفتیش باید معین کرد که تفتیش نماید و کار امروز دیوان محاسبات را آن کمیسیون مبرکه است بعد از مدتی بر خوردند بيك نکاتی و آن این بود که دیدند اینکار دست ویای دولت را می بندد و نمی تواند کار بکنند بعد از آن بترتیبی يك دیوان محاسباتی برپا کردند و تا سنه (۱۸۳۰) اعضاء دیوان محاسبات را خود مجلس انتخاب میکرد است بعد از آن روز باز ملتفت شدند که اینکار باز تولید زحمتی

برای قوه مجریه خواهد کرد این بود که آنرا تفکیک کردند و فرمان پادشاه قرار دادند و خود این ترتیب با میگوید که دیوان محاسبات در مملکت يك نوع است که در تحت نفوذ قوه مقننه است و نه در تحت نفوذ مجریه است ولی در تحت نظر قوه مجریه است چرا برای اینکه برداشته اند نوشته اند که اعضاء دیوان محاسبات را میتوانند عزل کنند ولی مدعی العموم را نمیتوانند عزل کنند پس این بگرشته است که متسوب است بوزارت ماله و در مجلس شورای ملی از وزیر ماله استیضاح خواهند کرد و در اینصورت نباید دقت کنیم که چرا اینجا عزل موقتی اعضاء را بتصویب وزیر ماله نوشته اند ما نباید بگذاریم سوء ظن داشته باشیم آخر این قانون را ما برای این مملکت میگذاوریم و بگوئیم چون اینجا اسم عزل برده شده است حتماً نباید در حضور وزیر ماله و راجع به او باشد بنده عرض میکنم که کلیه این مسائل يك قانونی خواهد داشت و اگر ما آن قوانین را میدانستیم و آن قوانین را توضیح میکردیم امروز بعضی اشکالات بر نمی خوردیم ما باید بدانیم که بیشتر کارمان قانون وضع کردن خواهد بود و فعلاً هیچ نداریم کدام قانون جزا را داریم کدام قانون سیاست را داریم و این قانون را برای این مملکت وضع میکنیم و این مملکت هم وزیر دارد هم وکیل و بنده که بکنفر ازو کلاه این مملکت مستم و یکسال دیگر اگر يك خلالتی از اعضاء دیوان محاسبات دیدم ببیند بگویند که کدام يك از وزراء را بخوام و از او سؤال یا استیضاح کنم که چرا چنین شد ما است بنده عرض میکنم که دیوان محاسبات يك هیت ملی است و باید در تحت نظر وزیر ماله باشد و ما نباید وحشت بکنیم از اینکه در يك ماده این قانون بنویسیم که وزیر در عزل اعضاء آن نظری داشته باشد یا این اعضاء در حضور وزیر ماله قسم بخورند.

رئیس - مذاکره در این خصوص کافی است حالا يك پیشنهادی آقای کاشف کرده بودند که قسمت اخیر این ماده حذف شود و باید در آن رای بگیریم آقایان هم که نظرات مفصل دارند باید تشریف بیاورند بکرسی نطق.

پیشنهاد آقای کاشف مجدداً قرائت شد.

فهییم الملک - آقای کاشف از اظهاری که کرده معلوم میشود که خیل کرده اند که در موقع غیبت مجلس شورای ملی وزیر ماله تمام اعضاء دیوان محاسبات را عزل و اخراج خواهند کرد که میفرمایند این اختیاری که بوزیر ماله داده شده است کار را مشکل خواهد کرد ولی این ملاحظه را فرمودند که اگر فرضاً يك نفر از اعضاء در غیاب مجلس تصیری یا خیانتی از او صادر شد او را چه باید بکنند باید بگویند باش همین طور تا مجلس افتتاح شود والا اعضاء دیوان محاسبات تا از طرف مجلس رای بانفصال آنها داده نشود مسلم است که منقصل نخواهند شد و این جمله که در این ماده نوشته شده است فقط برای این است که اگر يك عضوی از اعضاء دیوان محاسبات در ایام تعطیل مجلس يك خیانتی یا يك سوء رفتاری از او دیده شود تکلیف اوچه خواهد بود این است که نوشته شده است که ابتداء در مجلس عمومی دیوان محاسبات مذاکره میشود اگر اکثریت رای داد که او عزل شود موقتاً از کار خارج خواهد شد تا اینکه

مجلس کافتتاح شد تکلیف او را معین نماید و در حقیقت این يك چهاره است که اگر در غیاب مجلس با جمعی کاری شد این قسم عمل شود و گمان نمیکند آنطور که فرمودند بودن این جمله در این ماده ضرری نداشته باشد.

کاشف - بنده پیشنهاد خود را مسترد می دارم برای اینکه وقت مجلس شورای ملی را خیلی موقت می دانم از این که صرف این مذاکرات شود بجهت اینکه خیلی از آقایان هستند که کمترین کاری که در اول این قانون باید بشود در موقع رای گرفتن اظهار مبدارند در صورتی که هر کس ایرادی دارد در اساس يك ماده قانون یا پیشنهادی باید يك پیشنهادی کند که برود بکمیسیون و اینقدر وقت مجلس را تضییع نکنند.

حسینعلی خان - تضییع وقت مجلس آن است که مواد مهمل از مجلس بگذرد مجدداً پیشنهاد آقای مزمل الملک قرائت شد.

رئیس - رای می گیریم بر پیشنهاد آقای مزمل الملک که در واقع عین پیشنهاد کمیسیون است با جزئی اصلاح کسانی که موافقند با این پیشنهاد قیام نمایند [در شد اصلاحی نیز شاهزاده لسان الحکماء عبارت ذیل پیشنهاد نمود قرائت شد مسائل راجع به تقصیر و عجزات اعضاء دیوان محاسبات توسط رئیس کل یا مدعی العموم در مجلس عمومی دیوان محاسبات مذاکره و اختیار رای شده و نتیجه را بمجلس شورای ملی تقدیم نمود و از مجلس کتب تکلیف نمایند.

رئیس - رای می گیریم بر این پیشنهادی که آقای لسان الحکماء کرده اند کسانی که موافقند قیام نمایند (نیز در شد) تا آنجا ماده بیستم راپورت کمیسیون قرائت شد.

رئیس - رای می گیریم ماده ۲۰ بطریقی که کمیسیون پیشنهاد کرده است کسانی که با پیشنهاد کمیسیون موافقند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد).

رئیس - بقیه این قانون می ماند برای جلسه آتی دستور روز شنبه راپورت کمیسیون عدلیه در باب ماده العاقیه قانون نیول و نکول پروات تجارتمی و بقیه دستور امروز.

حاج آقا - چندین مرتبه از هیئت رئیسه بنده تقاضا کرده بودم که راپورت آن کمیسیونها بیک منعقد شده است برای بعضی کار های مهم بمجلس بیاید و هنوز راپورت نداده مثل کمیسیون رسیدگی بامداد قروض و يك پیشنهادی هم شده بود از طرف جمعی از نمایندگان که بنده هم جزء آنها بودم که هیئت وزراء تشریف بیاورند برای مذاکره بعضی مطالب اساسی را می دانم آقای رئیس اطلاع ندادند با اینکه اطلاع نداده اند و ناماندند در هر صورت اگر اطلاع داده اند همان کسانی که اعضاء کرده اند استدعا و درخواست میکنم که اطلاع بدهند که در جلسه آتی به هیئت وزراء تشریف بیاورند و در خصوص آن مطالب مذاکره شود.

(مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۱۸۴ صورت مذاکرات روز شنبه سلخ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۳۸

مجلس ساعت ۲ در ربع قبل از غروب آفتاب برپاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد و صورت جلسه روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود.

فائین جلسه قبل:

آقایان - ممتازالدوله، معین الرایا، آقامیرزا اسدالله خان، دهخدا، حاج امام جمعه با اجازه غایب بودند.

سید ادر اعظم، سردار اسعد، مستشارالدوله بدون اجازه.

آقا شیخ محمد حسین یزدی، دکتر علیخان، آقا شیخ محمد خیابانی، تربیت، دکتر امیر خان معتمد التجار، شبیانی، دکتر اسمعیل خان، محمد هاشم میرزا، افتخار الواعظین، آقا سید حسین کزازی، حاج آقا، بهجت، آقا سید محمد باقر ادیب، حاج محمد صادق، بوفت مقرر حاضر نشده اند.

رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمایند.

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم که صورت مجلس برای اینکه هر چیزی در مجلس داغ می شود لااقل اشاره بآن بشود در آن جلسه آقای یوسف خان میرزا یانس پس از قسم شرح متببی از مقاصد خودشان که از روی يك مسکن است تقیمی انتخاب شده بودند بیان فرمودند و این اول روری است که بکنفر از روی يك مسکن است تقیمی که انتخاب شده است از روی پروگرام مستقیم بر تمام عالم پروگرام خود را اظهار کرده و يك ساعت نطق کرده است و در نقطه مرکزی مسکن خودش جایگزین شده است و مثل ما اظهار میدارند درست کار نمیکنند و بعضی از اعضاء کمیسیون حاضر نمیشوند بنده خیلی تعجب دارم با اینکه اظهار اشتباه و حرارت از تمام و کلا می شود و بعضی کمیسیون اظهار اهتمام می کردند و بیشتر از همه چیز اهمیت می دادند چه طور شده است که حالا بعضی از اعضاء مسامحه میکنند در آمدن و کارها مانده است و باندازه سهم خود خواش می کنیم که این مقدار بیک گذشته است بمجلس بیاید و تا آنهای دیگر که می آید اینها تمام شود و رای گرفته شود و استدعا می کنیم از اعضاییکه مسامحه و مضایقه دارند که بهتر مشغول کار باشند و زودتر تشریف بیاورند و به مسامحه ننگردند این يك مطلب مطلب دیگر این بود که آنروز بنابود وزراء روز پنجشنبه بیایند و بمانند و آنروز که استدعا شد بیایند بمانند اطلاع داده شده است و نیامده اند با اطلاع داده شده است اگر اطلاع داده نشده خوب است آقای رئیس سببش را بفرمایند و اگر اطلاع داده شده و نیامده اند اطلاع بدهند که بیایند.

مهرزاملک - من در آن کمیسیون بودم و سابق بر این یکی از نمایندگان در این باب مشغولی کردند و حالا هم حاج آقا سؤال می فرمایند متأسفانه وقت این کمیسیون مصادف شده است با یکی دو کمیسیون دیگر و بواسطه داشتن کار در سایر کمیسیونها

کندند ای زرگر - فولادخان قوجه پیکو - محمد بیگ پیرایوت لو - آتابالا بيگ خامس او - شهریار بيگ خامس او محمد قلی خان فولادلو - رضاعلی بيگ معان لو - نعمت الله بيگ کیکو - عبدالله بيگ کیکو - غلامرضاعلی بیگ در جلو احمد خان حاجی خواجه لو - حاج حضرت قلی حاجی - خواجه لو - جوادخان حاجی خواجه لو - حاج عبادالله آجرو لو - حاجی جهانگیر میری ایدمان - رئیس ایلات - سالار موقر - امیدوارم که نوعی که مروض داشته در سر امتحان حاضر خدمت و تلافی ایام سلف را بشما بنده (خادم جرایم معاون التجار) .

شبیانی - در مسئله کاشان و امنیت آنجا خواستیم در موقتی که آقایان وزراء هستند بعضی عرایض بکنم که ادای تکلیف کرده باشم زیرا که هر چند مطالبی را که از پیش در باب کاشان در خارج یاد راطاق بوزراء عرض کردم گمان میکنم که اتفاقی نشود مسائل ناگواری اتفاق افتاده است که امیبتی آن نداده شد که پیش گوئیا و تمام آنچه را که اطلاع داشتیم عرض کردم طوری شد که اسباب شبیمانی فوق العاده برای دولت واقع شد در باره کاشان که هیچکس منتظر آن نبود و کار خیلی سهل بود حالا مخصوصاً استدعا میکنم وزراء را در يك موقعی اطلاع بدهید که بنده اظهارات خود را عرض بکنم اگر فایده کرد و جلوگیری نکنند آنها و الا برای اتمام حجت عرایض خود را عرض کرده باشم.

حاج آقا - مدتی است کمیسیون پروگرام تشکیل شده و با آن چندوجهی که نماینده کن داشته اند و آن مسلکی را که اظهار میکردند و اهمیتی که باین مطلب میدادند که واقعا يك اساس مملکتی است برای استقرار این دولت بدینگونه با اینکه چندین مرتبه یاد آوری شده بنده می بینم هنوز هیچ نتیجه ای بمجلس نیامده است اگر چه بنده از خارج مطلع شده ام که ترتیبات راجع به عدلیه گذشته است ولی منتظرند که ترتیبات سایر وزارتخانه تمام شود و يك قدمه بمجلس بیاید ولی از قرائت که متببی میشود و بعضی از اعضاء کمیسیون اظهار میدارند درست کار نمیکنند و بعضی از اعضاء کمیسیون حاضر نمیشوند بنده خیلی تعجب دارم با اینکه اظهار اشتباه و حرارت از تمام و کلا می شود و بعضی کمیسیون اظهار اهتمام می کردند و بیشتر از همه چیز اهمیت می دادند چه طور شده است که حالا بعضی از اعضاء مسامحه میکنند در آمدن و کارها مانده است و باندازه سهم خود خواش می کنیم که این مقدار بیک گذشته است بمجلس بیاید و تا آنهای دیگر که می آید اینها تمام شود و رای گرفته شود و استدعا می کنیم از اعضاییکه مسامحه و مضایقه دارند که بهتر مشغول کار باشند و زودتر تشریف بیاورند و به مسامحه ننگردند این يك مطلب مطلب دیگر این بود که آنروز بنابود وزراء روز پنجشنبه بیایند و بمانند و آنروز که استدعا شد بیایند بمانند اطلاع داده شده است و نیامده اند با اطلاع داده شده است اگر اطلاع داده نشده خوب است آقای رئیس سببش را بفرمایند و اگر اطلاع داده شده و نیامده اند اطلاع بدهند که بیایند.

مهرزاملک - من در آن کمیسیون بودم و سابق بر این یکی از نمایندگان در این باب مشغولی کردند و حالا هم حاج آقا سؤال می فرمایند متأسفانه وقت این کمیسیون مصادف شده است با یکی دو کمیسیون دیگر و بواسطه داشتن کار در سایر کمیسیونها

نمی توانند حاضر شوند چنانچه شاهزاده حسین خان میرزا محسوبون تفتیش فان هستند یکی دوتفر هم از اعضاء که بنده سلمه تشریف بیاورند و کوبا کسانتی داشته من جمله آقای مستشارالدوله که امروز تشریف آوردند و آقای ونوق الدوله را بواسطه اطلاعاتی که داشته است دعوت کرده و آقای صنیع الدوله را هم دعوت کرده و چنانچه هم سابق عرض کردم هفته چهار روز این کمیسیون متعقد می شود و مشغول مذاکره می شوند حالا آقایان مایل باشند که آنچه راجع باصلاحاتی است که در خصوص عدلیه شده است بیاید به مجلس آن بسته برای مجلس است ولی اگر يك مرتبه آن پروگرام بیاید به مجلس بهتر بود شروع به شور در بقیه قانون محاسبات شد.

ماده ۲۰ لایحه وزیر به عبارت ذیل قرائت شد

ماده ۲۰ - مواجب اعضاء مذکور در ماده (۲۰) در فهرستی که ضمیمه این قانون است معین میباشد حقوق سایر اجزاء و مستخدمین دیوان محاسبات از رزی نظامنامه داخلی خود دیوان محاسبات معین خواهد شد.

کمیسیون این طور پیشنهاد کرده بود

ماده ۲۱ - مواجب اعضاء دیوان محاسبات و دفتر دار کل و مدعی العموم در فهرستی که ضمیمه این قانون است معین می شود حقوق سایر اجزاء و مستخدمین دیوان محاسبات کده آنها در نظامنامه داخلی معین می شود همه ساله جزو بودجه وزارت ماله بمجلس پیشنهاد می شود.

حاج سید ابراهیم - گویا مقصودشان از آن چیزیکه ضمیمه این قانون می کنند این است که مراتب درجات این اعضاء را در جزو ضمیمه معین بکنند و حقوق و مواجب اینها را که در آن ذکر کرده اند بحسب دلالتی که عبارت دارد جزء بودجه وزارت ماله نکنند هیچ وجه ندارد و بنده قدر دار کل و مدعی العموم جزء اعضاء نیستند و باید مواجب آنها راجع بودجه کنند پس این عبارت که در اینجا نوشته شده است صحیح نیست طوری باید نوشته تمام حقوق اجزای دیوان محاسبات جزو بودجه وزارت ماله بیاید منافاتی هم ندارد با آنچه در ضمیمه قانون معین می کند و نماینده رئیس آن مساوی رئیس فلان محکمه است یا خیر این مستلزم این نیست که بودجه آنرا از اینجا خارج بکنند.

فهییم الملک - مقصود این نیست که از بودجه وزارت ماله پیشنهاد شود ولی اجزای دیوان محاسبات را که تصور بفرمایند که بتوان متن اجزاء مستخدمین ادارات دولتی از ایشان يك حقوق معین کرد این ممکن نیست زیرا مستخدمین سایر ادارات يك ترتیبی دارند که بعد از چند سال از تمام رتبته پیدا میکنند ولی اعضای دیوان محاسبات پنج سال بیشتر نخواهند بود و برای آنها نمی توان يك درجه و رتبه معین کرد لابد موافق قانونی که مجلس از برای آنها معین میکند با آنها رفتار میشود ولی اینکه نوشته میشود مقصود همین قسمت اخیر نیست یعنی مواجب اجزاء که پیشنهاد میشود همه ساله بوزارت ماله پیشنهاد می شود.

حاج سید ابراهیم - اینکه فرمودند بیان

مقصود است و خوب است ولی عبارت وافی بمراد نیست اینچنانیوسید [حقوق سایر اجزاء مستخدمین دیوان مجاسبات از روی نظامنامه داخلی خود دیوان مجاسبات معین خواهد شد] یعنی حقوق سایر اجزاء اما دیگر ندارد که مواجب اعضاء و حقوق مستخدمین اگر مقصودشان این است که مواجب اعضاء هم درضمن این بوده باشد دخلی باین عبارت ندارد پس خوب است در اینصورت عبارات را طوری بنویسند که این معنی را بفهماند.

رئیس - ماده اصلاح شده فرائث میشود. ماده اصلاح شده فرائث شده.

رئیس - رأی میگیریم به ماده اصلاح شده کمانیکه موافقت قیام نمایند تصویب شد.

ماده ۲۱: پیشنهادی وزیر مالیه باین مضمون فرائث شد.

ماده ۲۱: برای ریاست کل و ریاست محاکم و مدعی العموم سن ۴۰ سالگی و برای مستشاران و دفتر دار کل و منشی باشی و میزین درجه اول سن بیست و پنج سال و برای میزین درجه ثانی لااقل سن ۲۳ سالگی لازم است کمیسیون بدین طریق پیشنهاد کرده بود.

ماده ۲۲: برای ریاست کل سن چهل و برای ریاست محاکم و سایر اعضاء افلا سن سی لازم است.

حاج سید ابراهیم - بیشتر هم مذاکره شد که شرایط که از برای اعضاء دیوان مجاسبات باشد باید معین باشد پس خوب است این ماده بر گردد بکمیسیون و فرائض آن گذاشته شود.

فهییم الملک - برای سایر شرایطیکه مذاکره شد در کمیسیون مذاکره شد یک دو ماده اضافه شود لازم نیست تمام شرایط در ضمن يك ماده باشد در يك ماده يك شرایطی هست در ماده دیگر شرایط دیگر خواهد بود. پیشنهاد آقای افشار الواعظین تریب بضمون ذیل خوانده شد این بند پیشنهاد میکنم که در ماده ۲۴ برای رئیس کل به علاوه سن شرایط ذیل قید بشود.

(۱) - در ترتیبات مجاسبات دولتی بصیر باشد (۲) - از معاملات و دادوستد ولایات بی اطلاع نباشد (۳) - معروف بدیانت و درستی باشد (۴) - اربابیه مالیات چیزی بر همه او نباشد.

پیشنهاد آقای سز زاملک نیز قریب بضمون ذیل فرائث شد.

بند پیشنهاد میکنم که اعضاء دیوان مجاسبات که از صرف مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید دارای شرایط ذیل باشند (۱) تابعیت ایران (۲) سن چهل سال برای ریاست کل و سی سال برای سایر اعضاء (۳) داشتن معنومانی که موافق پروگرامی که از طرف وزارت مالیه معین و منتشر خواهد شد (۴) مرتکب جرمه و جنایت نشده باشد.

که برای آن شرایط یکی دو ماده وضع شده است در کمیسیون اینهم بر گردد بکمیسیون که يك یا دو ماده باشد انجام اصلاح شود اگر يك ماده باشد در طوری که می خواهند بنویسند بیایند **فهییم الملک** - شرایط دیگری که ذکر می شود باید به مجلس بیاید عجاناً يك ماده فرستاده می توان رأی داد کمیسیون دو ماده دیگر را هم مطرح میکنند حالا برای يك شرطی تا امروز رأی ندهیم و مربوط بسایر شروط کنیم حسنی ندارد

حاج شیخعلی خراسانی - اگر این ماده بر میگردد بکمیسیون لازم است اینکه این نکته را هم بنده عرض کنم که این نوشته است سن رئیس کل چهل و رؤسای محاکم سی و اینهم اسباب اشکال خواهد شد برای آنکه هر گاه رئیس کل حاضر نباشد یکی از اعضاء سایر محاکم قائم مقام او خواهد شد آنوقت يك محظور قانونی خواهد داشت و آن این است که رئیس محاکم هر سال خواهد داشت و قائم مقام رئیس کل واقع خواهد شد.

مهرزاد الملک - اگر این ماده بر میگردد بنده عرضی ندارم ولی اینکه مگر می فرمایند بگذرد بنده در این موافق نیستم بجهت اینکه يك ماده راجع به شرایط عضویت اعضاء دیوان مجاسبات است و این شرایط خوب است در يك ماده گنجیده شود و اگر این مسئله را می خواهند در مجلس مذاکره شود آن مطلبی است که شرایط دیگری می خواهند برای این کار معین کنند که خوب است اینهم بر گردد بکمیسیون و نمیشود در این ماده رأی گرفت و در سایر مواد يك مرتبه دیگر نباید رأی بدهیم.

فهییم الملک - بنده علت رأی ندادن را نهمیدم ولی تقاضایم اینست که قبل داند بر گردد به کمیسیون.

ماده مزبوره بانضمام پیشنهاد ها رجوع به کمیسیون شد.

ماده الحاقی ماده ۲۳ - هر يك از اعضاء مستعفی یا متوفی میشود عرض آنها را بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شده مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضاءیکه بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشود از ابتدای تاریخ انتخاب عضو متوفی یا معزول حساب میشود.

دکتر علی خان - این رازر ماده ۲ نوشته بودیم مسائل راجعه به عزل اعضاء دیوان مجاسبات بتقاضای وزیر مالیه الحاقی بود آن عضو باید معزول خواهد شد اینچنانکه عرض میکنم که بنویسند که هر يك از اعضاء مستعفی یا عزل میشود در آخر ماده هست که معزول میشوند پس خوب است در اول ماده هم باشد یکصکه معلوم شود.

سلیمان میرزا - بنده پیشنهادی کرده ام و حالا هم عرض میکنم باید معین شود منتهی وقتی که مجلس میتواند او را انتخاب کند زیرا که من می بینم از بابت کسر و کلاه که چون نظامنامه داخلی قید نکرده که ما تا چه وقت باید انتخاب کنیم سه ماه میگذرد و ما او را انتخاب نکرده ایم بجهت اینکه يك حدی معین نشده و بنابراین هر وقتیکه خواستیم انتخاب میکنیم و بنده يك پیشنهادی میکنم و عقیده ام اینست که بهر از اعضاء این مدت مجازات داشته

این است که باید در این خصوص يك حدی معین کرد و بنظر بنده منتهی در ظرف يك ماه که مجلس در ظرف این مدت انتخاب بکند و مانند مثل سایر چیزها که دو ماه سه ماه چهار ماه و شش ماه و هفت ماه عقب بیفتد و کار ناقص بماند.

دکتر علی خان - بنده در این پیشنهاد خواستم همین قدر عرض کنم که ممکن است وقتی که مجلس تعطیل شد يك عضو مستعفی یا معزول یا متوفی شود پس خوب است در آنجا معین کنند که تکلیف این است که بهر از اعضاء انتخاب شده

بهجت - این فرمایشی را که حضرت والا فرمودند و پیشنهاد میکنند بعقیده بنده هیچ لزوم ندارد بجهت اینکه لازماً است که مجلس همیشه فوری انتخاب کند بسبب اینکه وظیفه مجلس این است که همیشه تکمیل کند اعضاء و اجزای خود را بهمان قدریکه لازم هست همین قدر که یکی مستعفی یا متوفی یا معزول شد وظیفه ما این است که در آن اول دقیقه که ممکن است انتخاب را عقب بیندازیم و اگر بخواهیم در ظرف مدت فراد به هم موقوف باین است که قانون يك همچو حق با باشد و این حق برای ما نیست و این پیشنهاد این حق را بیان میدهد میگوید که در ظرف يكماه انتخاب نکرد دیگر نباید انتخاب کرد اینجا يك مثالی عرض میکنم اگر چه خارج از موضوع است ولی بی تناسب نیست مثل جواب سلام که میگویند هر آنی که ممكن شود فوری است این را هم هر آنی که يك عضوی که از دیوان مجاسبات منصرف شد يك محصل قانونی بالای سرما هست که در هر زمانی از ازمه و اوقات فوری عوض آنرا انتخاب کنیم اما اینکه حضرت والا معین می کنند میگویند در ظرف يكماه اگر در ظرف يك ماه انتخاب نکرد دیگر نباید انتخاب کند پس اینکه عرض کردم معین این است که بفوریت انتخاب کنند قانون میگوید همیشه مجلس شورای ملی باید عدد اعضاء دیوان مجاسبات را تکمیل کند.

پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا فرائث شد و پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا فرائث شد.

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲۳ چنین اصلاح شود هر يك از اعضاء که مستعفی یا متوفی یا معزول میشوند عرض آنها را بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شده مجلس شورای ملی منتهی در ظرف يك ماه انتخاب می نماید و هر گاه در ایام تعطیل مجلس شورای ملی باشد پس از آنمه نادیا يك ماما انتخاب بماند.

حاج سید ابراهیم مقصود از این ماده آن سطر آخر است و این معلوم است والا ابتدای تاریخ فرض از ماده معین ابتدای خدمت آن عضو منتخب است که معلوم شود پس خوب است راجع بفرقه اول این ماده پیشنهاد شود تا تکلیف انتخاب معلوم شود.

فهییم الملک - اصلاحی که پیشنهاد شده است مقصود این است که انتخاب در ظرف يك ماه بعمل بیاید والا باقی ماده را که تغییر نماند فقط يك ماده ضمیمه کرده اند.

حاج عز الممالک - بعقیده بنده بآن پیشنهاد باید رأی گرفت که تصویب شد آنوقت باید الحاق شود.

حاج شیخ اسدالله - این تعیین مدت برای انتخاب میکنم و بنده يك پیشنهادی میکنم و عقیده ام اینست که بهر از اعضاء این مدت مجازات داشته

باشد که اگر انتخاب نشد مجازاتش چه میشود بنده عرض میکنم که تعیین مدت هیچ لازم نیست حقتان سابق است با اینکه مجازاتی معین خواهند شد اینها که نیست پس همانطور که آقای بهجت فرمودند این حق را دارند که در اول ازمه امکان آنرا انتخاب کنند

مر ترضی قلیخان - ماده این طور اصلاح شده است.

هر يك از اعضاء که مستعفی یا متوفی می شوند عرض آنها بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شد مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضاءیکه بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشوند از ابتدای تاریخ انتخاب عضو مستعفی یا متوفی یا معزول حساب میشود و این انتخاب منتهی در ظرف يكماه باید واقع شود و اگر مجلس شورای ملی منعقد نباشد در ماه اول انعقاد باید انتخاب شود

ارباب کیخسرو - اول در راپورت کمیسیون باید رأی گرفته شود بعد در این اصلاحی که شده است **فهییم الملک** - اول این مطلب را که منتهی انتخاب در ظرف يكماه بعمل می آید رأی بگیرند اگر قابل توجه شد آنوقت در ماده رأی بگیرند **رئیس** - اول رأی می گیریم در پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا که انتخاب در ظرف يك ماه بعمل بیاید کسانی که تصویب می کنند قیام نمایند [پیشنهاد مزبور رد شد]

مجدداً ماده با اضافه لفظ معزول فرائث شد باین عبارت:

هر يك از اعضاء که مستعفی یا معزول یا متوفی می شوند عرض آنها بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شد مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضاءیکه بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول حساب میشود.

رئیس - رأی می گیریم باصل ماده ۲۳ کمیسیون بطریقی که خوانده شد کمانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد)

مر ترضی قلی خان - چهار ماده است که در کمیسیون از پیشنهاد وزیر حذف کرده اند بدین طریق:

ماده ۲۶: لایحه وزیر بضمون ذیل خوانده شد **ماده** ۲۶: هر ساله رئیس کل دوفرازمه مستشاران هر محکمه را بترتیب قرعه به محکمه دیگر انتقال خواهد داد بطوری که چهار نفر معین بیش از يك سال در محکمه نمانند کمیسیون به عبارتی که ذیلاً درج می شود پیشنهاد کرده بود.

ماده ۲۴ - هر ساله رئیس کل مستشاران هر محکمه را به محکمه دیگر انتقال خواهد داد که بیش از يكسال در يك محکمه نمانند.

حذف کرده است و بایستی رأی مجلس هم در این باب معلوم شود که مجلس هم رأی میدهد بانه اگر رأی میدهد که حذف شود والا جزء قانون شود فقط رأی کمیسیون کافی نیست.

رئیس - رأی می گیریم بر حذف مواد ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ بطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرده

است کسانی که حذف این مواد را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد).

مؤتمن الملک - این ماده باید اصلاح شود اگر بنا باشد که مستشاران را از محکمه ای به محکمه دیگر انتقال بدهند سال دوم هر مستشاری که در محکمه اول بوده تقریباً در محکمه دوم خواهد بود همین طریقت و مستشاری که در سال اول در يك محکمه بوده اند سال سیم در محکمه سیم خواهند بود مقصود اینست که آن دو مستشاری که در سال اول به لوی هم بوده اند سال دوم و سیم و غیره در يك محکمه نباشند یکی در يك محکمه باشد و دیگری در يك محکمه دیگر باشد.

حاج سید ابراهیم - اینطوریکه آقای مؤتمن الملک فرمودند خوب است این ماده بر گردد بکمیسیون و اصلاح شود بجهت اینکه این ترتیبی که میفرمایند که هیچ دو مستشاری در يكسال در يك محکمه نمانند و این ممکن نیست بجهت اینکه در سال چهارم پیش هم خواهند بود ولی حالا که می فرمایند مقصود يك چیز دیگری است خوب است به کمیسیون بر گردانند و در آنجا اصلاح بشود.

فهییم الملک - آن مقصود هم میشود که بعمل بیاید چون اینجا عبارت يك طوری نوشته شده است که میتوان تغییر داد که هر ساله رئیس کل و رؤسای محاکم را آخر سال به محکمه دیگر انتقا دهند که يك سال متتقاً در يك محکمه نمانند اینطور اصلاح شود.

حاج آقای - این مطلبی که آقای فهییم الملک فرمودند گمان این است که نظر کمیسیون این بوده است که دوفرازمه متوالی در يك محکمه نباشند یعنی اگر یکی از آنها برود آن يك نفر دیگر هم نباشد فقط نظر کمیسیون این بود که در سال دوم در محکمه ای که سال اول بوده اند نباشند و اینکه در مستشار در يك سال متتقاً به لوی هم نمانند باز رفع اشکال نخواهد شد بجهت اینکه آن دو مستشاریکه در محکمه اول بوده اند سال چهارم باید بر گردند به محکمه اول و این اشکال رفع میشود باینکه بنویسند که بیش از دو سال متوالی در يك محکمه نباشند این اصلاح اگر بشود اشکال باقی نمی ماند و محتاج هم نیست که بگوئیم که دو نفر در يك محکمه نباشند.

حاج سید ابراهیم - بنده چون کاملاً نظری در این باب کردم ممکن نیست که آنطوریکه آقای مؤتمن الملک فرمودند ترتیب داد و در این سه محکمه تصور شود بجهت اینکه مامی بینیم سه محکمه داریم و سه مستشار سال اول مستشاران اول میروند به محکمه اول سال دوم منتقل میشوند به محکمه دوم و سال

حاج سید ابراهیم - بنده چون کاملاً نظری در این باب کردم ممکن نیست که آنطوریکه آقای مؤتمن الملک فرمودند ترتیب داد و در این سه محکمه تصور شود بجهت اینکه مامی بینیم سه محکمه داریم و سه مستشار سال اول مستشاران اول میروند به محکمه اول سال دوم منتقل میشوند به محکمه دوم و سال

فهییم الملک - اینجا يك مقصود دیگری است مقصود فقط نه این است که دو سال متوالی در يك محکمه نباشند بلکه با هم نبودن مستشاران تصود

سیم میروند به محکمه سیم باز سال چهارم میگردند به محکمه اول پس بهر حال ممکن نیست که بگوئیم آن دو مستشار یکدیگر در آن محکمه بوده اند بگویند بآن محکمه پس تصور میکنم که در این باب بطوریکه فرمودند که باید اصلاح شود رأی گرفته شود.

مؤتمن الملک - مقصود این نیست که دوفرازمه مستشاریکه در يكجا بوده اند و رفتنی که پیدا کرده اند اینها را مجزا کنند حالا میگویند نمانند آن محوطه چه اختصاص دارد که در آنجا نمانند مقصود این است که این دوفرازمه مستشار یکی در آن محکمه میمانند آن یکی نمانند حالا لازم نیست آن يك نفر را به محکمه سیم بفرستند و یکی دیگر را به محکمه دوم بفرستند قرعه بیاندازد به هر کدام که بیرون آمد به بیست که یکی از این دو مستشار را بيك محکمه باید بفرستد حال این یکی نباشد آن یکی میشود اینطور نوشت هر ساله رئیس کل مستشاران هر محکمه را به محکمه دیگر انتقال خواهد داد بطوریکه قرعه دو مستشار دو سال متوالی در يك محکمه نمانند.

اصلاح پیشنهاد آقای فهییم الملک عبارت ذیل خوانده شد هر ساله رئیس کل مستشار محکمه را بترتیبی به محکمه دیگر انتقال خواهد داد که دو نفر یعنی دوسال متوالی در يك محکمه نمانند.

بهجت - این دو مطلب است یکی پیشنهاد آقایان که دو نفریکه در يك محکمه مصدر يك خدمتی بوده اند با هم نباشند یکی دیگر آنست که يك مستشار بیش از يك سال در محکمه خدمت نداشته باشد ممکن است این را بکنار بگذاریم و صریح باشد قبول کنیم مطلب یکی این است عرض کردم که مستشار در يكسال در يك محکمه نمی تواند بماند و یکی این است که مستشار بیش از يكسال با هم نباشند این ممکن است باینکه یکی را از آن دو مستشار در محکمه ثانی قرار بدهند و یکی را در محکمه ثالث.

حاج سید ابراهیم - بنده اول در این پیشنهاد مغالط هستم بجهت اینکه ما معین میکنیم که دو نفر معین دو سال متوالی در يك محکمه نباشند اگر این قرعه باشد که قرعه چشم و گوش ندارد قرعه هر طوریکه درآمد در آمده است و قرعه سال دوم و سیم ممکن است که با هم بیفتند لفظ قرعه را باید برداشت و این کار را بگردن رئیس بیندازیم باید همانطور نوشت که دو سال متوالی در يك محکمه متتقاً نباشند دیگر اینکه عدد منتهی از بدیهیات است مستشاران ۱۸ نفر پنج سال هم داریم سال دوم مستشار محکمه اول را میبریم در محکمه دوم یا اینکه میآوریم در محکمه سیم یا اینکه هر دو را میآوریم در محکمه سیم بهر حال سال چهارم بر میگردد بترتیب سال اول پس لفظ اول دو سال متوالی را که نوشتم کافی است.

فهییم الملک - اینجا يك مقصود دیگری است مقصود فقط نه این است که دو سال متوالی در يك محکمه نباشند بلکه با هم نبودن مستشاران تصود

است در آن پیشنهاد هم نوشته بودند که اینها دو سال متوالی متفقاً در یک جا نباشند حالا در یک محکمہ یا دو محکمہ فرقی ندارد و حالا اگر نباشد از چهار نفر دو نفر یک نفر آنها را خارج کنند چطور باید آنها را خارج کنند که اسباب ملاحظه نباشد یا اینکه یک نفر مستشار در یک محکمہ باشد و یک نفر دیگر نباشد این تشخیص را بهر کسی که واگذار کنند اسباب ملاحظه میشود باید بقره باشد قره بهتر از همه است که امسال کدام یک از مستشاران که در این محکمہ است باید از این محکمہ برود به محکمہ دیگر این یک مسئله قره لازم دارد حالا بعد از دو سال یا سه سال دیگر بر میگردد به محکمہ اولی این بشود چه ضرر دارد دیگر نمیتوان گفت که آنقدر محکمہ داشته باشد که نتوانند برگردد به محکمہ اولی همین قدر که یک سال رفت از این محکمہ به محکمہ دیگر و بازرگشت در همین محکمہ کفایت میکند مقصود این است که سال بعد با آن مستشار اولی رفیق نباشد و این دو نفر مستشار بیش از یک سال متفقاً با هم نباشند و ترتیب این است که گفته شود بطور قره از آن محکمہ به محکمہ دیگر میروند و بعد از یک سال باز مجدداً بطور قره قسمت میشوند .

حاج عز الممالک - دو سال متوالی یک سال موافق نشود نوشته شود دو سال متوالی دو مستشار متفقاً در یک محکمہ نمانند .

رئیس - رای میگیریم بر ماده ۲۴ بطریق قیام که خوانده شد - کسانی که موافقت قیام نمایند (اکثریت حاصل نشد)

محمد هاشم میرزا - آهائی که رای ندادند بجهت لفظ معین بود که منجمه بندهم نفهمیم که چه چیز است .

مؤمن الملک - گویا بعضی ها بواسطه لفظ معین رای ندادند اگر لفظ معین را بردارند رای خواهند داد .

فهم الملک - مثلاً می گویند یکی از مستشاران محکمہ این یعنی که دو نفر معین در یکجا نباشند پیشنهاد آقای حاج صدق الممالک باین مضمون خوانده شد .

این بنده پیشنهاد میکنم ماده ۲۴ اینطور نوشته شود رئیس کل میتواند مستشاران هر محکمہ را بنظر ریاست خود به محکمہ دیگر انتقال بدهد .

بجهت - میبایست ملتفت شد که اینکه رای ندادند و اکثریت حاصل نشد علت چه بوده در پیشنهاد آقای مؤمن الملک این بود که غالب و کلاً این را در نظر دارند همه منظور که آقای مؤمن الملک فرمودند ممکن است ما بین یک مستشاری و رئیس محکمہ هم توافق و تسامحی بشود مثل اینکه بین دو مستشار ممکن است توافق بشود در این پیشنهاد همچو میسر اند که فقط دو مستشار نمیتوانند در یک محکمہ بمانند در صورتیکه باین ماده معلوم میشود که مستشار پارسی محکمہ میتواند باشد و حال اینکه عدله نظر در آن است که رئیس کل یا هیچ مستشار در یک محکمہ نباشد این بود نظر و کلاً که تصویب نشد .

محمد هاشم میرزا - اگر آن لفظ برداشته میشود که رای گرفته شود و الا رجوع بکمیسیون شود بواسطه اینکه هر چه مذاکره بشود بر معلومات ما افزوده نخواهد شد .

اقفخار الو اعظین - این یک مسئله مهمی نیست که برای ننان کلمه رای ندادند این پیشنهاد برای آن است که دو نفر مستشار در یک محکمہ دو سال متوالی نباشند امسال که دو نفر در این محکمہ هستند یکی را بردارند در آن محکمہ بگذارند یکی را هم یک مسئله نیست که خیلی دقیق باشد که ملتفت و منتقل نشوند بنده عرض میکنم که این عبارت را باید بکلی اصلاح کرد که خوب فهمیده شود که دو مستشار پهلو میروند در یک سال نمانند و آنوقت اکثریت هم خواهد شد .

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده عرض میکنم چه جهت دارد که فقط مستشارها را از یک دیگر انفکک بدهند دومین هم ممکن است با هم اتفاق و تعلق کنند .

حاج صدق الممالک - بنده بخواستم عرض کنم که این ماده جز اینکه بی اهمیتی را نسبت به مستشارها برساند نتیجه دیگری ندارد بجهت

لسان الحکماء - گمان میکنم که این محاکم آنطوری است که یکی برای جمع مملکت است و یکی برای خرج مملکت و یکی برای خرج و جمع ولایات و ایالات در اینصورت گمان می کنم که این اقدام بر بجز در یکا اینها به رئیس کل و در جاهای دیگر رؤسای محاکم یا محکمہ مدعی عمومی بپینند که کدام صلاحیت دارد و کدام کارشان نماند نه بشود آنوقت بعد از مشورت در محکمہ مدعی عمومی رئیس کل آنرا تغییر و تبدیل میدهد نباید کار را ناقص کرد از این تغییر و تبدیل که درست ماخذش را بدست نیارده ایم بجهت اینکه یکی مخصوص بوده عایدات است و یکی به بودجه مخارج آنوقت یک دهنه وسط کارشان بیاید بقره یا بخیال این را تغییر بدهند آنوقت بکلی آن رشته و اسباب اذیت برود بنده عقیده ام این است که اختیارش را بدهند بدست محاکم عمومی که نظر بعلوم و اطلاع و صلاحیت اشخاص تغییر و تبدیل بدهند والا رشته اینکار با این ترتیب که مذاکره میشود از هم گسیخته میشود .

فهم الملک - ترتیب اصول محاکمات که در مجلس مطرح خواهد شد معین میکند که بواسطه اینها یک عیب و نقصی وارد نخواهد آمد و مخصوصاً در هر چه نقطه ای آن را بنظر ریاست شخصی واگذار نکرده اند و بنظر ریاست معین نموده اند و این ترتیبی که در اینجا نوشته اند که مستشارها یک کاری میکنند و یک راپورتی بدهند آنرا خواهند داد و نقصی بر ترتیب جریان محاکم دیوان محاسبات نخواهند رسانید .

ماده مزبوره مجدداً با اصلاح قرائت شد .

مؤمن الملک - بنده عرض میکنم که لازم نیست که لفظ آنجا باشد دور نیست که در بعضی مواقع بقره محتاج نباشد همین قدر بنویسند ترتیبی انتقال بدهند که دو سال متوالی در یک محکمہ نمانند

حاج عز الممالک - اینها اگر آنها در یک خدمتی که بآنها رجوع شده است بخواهند تعلق بکنند بهر قسمی که باشد خواهند کرد اولاً پیشنهاد بنده بنابر این بشود که این ماده حذف شود بعد اینطور پیشنهاد دیگر شد که رئیس کل هر کدام یک را که نماند از وجودشان در یک محکمہ هست اگر بخواهد آنها را بنظر خودش بجهت دیگر انتقال بدهد بتواند .

فهم الملک - مقصود همه از نوشتن این ماده این بوده است که بنظر رئیس کل نباشد و این بنظریات رئیس کل که نظرات بکنند است نباشد قانون را که می نویسند برای این است که یک ترتیب قانونی برای آنها باشد .

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای حاج صدق الممالک کسانی که موافقت قیام نمایند هیچکس قیام نکرد با اتفاق رد شد .

پیشنهاد آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان بعبارت ذیل خوانده شد .

ماده ۲۴ - هر ساله رئیس کل مستشار هر محکمہ را به ترتیبی به محکمہ دیگر انتقال خواهد داد که دو مستشار متفقاً دو سال در یک محکمہ نمانند .

پیشنهاد حاج آقا - مضمون ذیل قرائت شد .

بنده پیشنهاد میکنم که ماده اینطور اصلاح شود هر ساله رئیس کل هر یک از مستشاران هر محکمہ را بجهت دیگر انتقال خواهد داد بطوریکه هیچ مستشاری در دو سال متوالی در یک محکمہ نماند و همچنین دو مستشار دو سال متوالی با هم در یک محکمہ مصدر خدمت نباشند ماده مزبوره با اصلاح قرائت شد .

رئیس - رای میگیریم بر ماده ۲۴ بطریقیکه اصلاح شد کسانی که موافقت با این ماده قیام نمایند اغلب قیام نمودند و اکثریت تصویب شد .

رایورت کمیسیون عدلیه از قرائت ذیل است .

تاریخ ۲۰ شهر ذی قعدة الحرام از کمیسیون عدلیه بمجلس مقدس .

کمیسیون عدلیه در تحت ریاست آقای حاج شیخ الرئیس منعقد و در ماده العاقبه قبول و نکول بروات مذاکره لازمه را حاصل آورده بالاخره ماده ۲۴ قبول و نکول بروات را چنین تکمیل مینماید تا اکثریت مجلس مقدس بجهت تعلق گیرد .

ماده ۲۴ - شخصیکه باو حواله شده است هر گاه برات را قبولی نوشت با داده وجه قبولی نوشته خود ملزم است و در آن روز برات نمیتواند بعد از قبول رجوع بخواه کند بنده نماید ولی این در صورتی است که حواله کننده عدم رجوع بخود را در برات صریحاً قید کرده باشد هر گاه محال علیه برات را قبولی نوشت و در سر وعده تمام وجه یا قسمتی از آن را نپرداخت دارنده برات باید آن برات را بر طبق ماده ۲۴ (پردست) ننهد و پس از آن مشارالیه مختار است که مستقیماً از حواله کننده اولی یا قبولی نویسنده وجه برات را در ریاست نماید و یا در صورت تعدد حواله کنندگان دارنده برات موافق ماده دوم که هر لاجق بسابق خود رجوع بنمایند رفتار کنند یا از هر کدام که بخواهد وجه را اخذ نماید و مادامیکه وجه برات تأدیه نشده

است تمام صاحبان امضاء در برات مسئول تأدیه وجه هستند (تنبیه) قبولی نویسنده نباید قبولی خود را متعلق بشرط نماید ابراهیم زنجانی .

رئیس - چون در این راپورت دوشور خواهد شد ملاحظاتی اگر هست بفرمائید .

معاضد الملک - بنده لازم میدانم مخبر یا یکی از آقایان اعضای کمیسیون عدلیه توضیح بدهند که چه علت پیدا شده که ماده ۲۴ باید حذف شود و این ماده بجای آن نوشته شود آن علت را بیان فرمائید تا از روی بصیرت مذاکره در این ماده بشود .

اینجا به اعتبار حواله دهنده میگردد نه باعتبار قبول طبعه و گیرنده حواله هر وقت بخواهد میتواند باو رجوع کند این هم یک ترتیبی است که معمول است و هیچ ضرری وارد نمیشد هیچکدام از خدمتگاران برات بواسطه اینکه تمام اینها در عرف تجارت نظرشان بحواله دهنده است نه باعتبار طرف از این جهت این قرار شد و اگر بخواهید اظهارات تجار را بخوانید یا اینکه بنده هیچ لازم نمیدانم خواهم دید که چند تجارت داخله گرفتار شده اند .

معین الرعايا - اینکه اینجا گفته شد قانون خارج این است که برات را پس از قبولی نوشتن اگر نداد قبولی نویسنده و دارنده برات رجوع بحواله کننده میکنند گمان میکنم این قاعده در هیچ جای عالم نباشد برات و تنبیه قبولی نوشته شده است ادای وجه آن در عهده آنکسی است که قبولی آن را نوشته است برای اینکه اگر قبولی نوشته بود ممکن بود قبولی کند ممکن بود رد کند اما بعد از آنکه قبولی نوشت برات حکم سند ذمه را پیدا میکند و در هیچ جای دنیا یک چنین قاعده نیست که برات حواله نوشته شده را نکول بکنند عقیده بنده این است که آن را که تومانیاس نوشته است بخوانند نامطلب معلوم شود .

سلیمان میرزا - اولاً اینکه بعضی از آقایان اظهار داشتند که دلیل تغییر ماده ۲۴ قانون قبول و نکول بروات را توضیح بدهند عرض میکنم که این اشتباه شده است ابتدا در این مقام نیستند که هم ماده ۲۴ قانون قبول و نکول بروات را تغییر بدهند باین جهت اول ماده ۲۴ قانون قبول و نکول بروات را عیناً بخوانم و بعد در این مورد را عرض میکنم .

ماده ۲۴ - شخصیکه باو حواله شده هر گاه برات را قبولی نوشت با داده وجه قبولی نوشته خود ملزم است و نباید قبولی متعلق بشرط باشد .

این ماده بطوریکه ملاحظه بفرمائید مبهم است یعنی آنطوریکه تعیین میکند نکرده است یعنی همان طوری که آقای حاج آقا بیان فرمودند صاحب برات اگر رجوع بخواهد رجوع بخودش را قید کرده باشد یا قید نکرده باشد در صورت رد برات آن وقت تکلیف گیرنده برات چیست و چه حکمی از برای این برات هست در این خصوص این ماده ساکت است و این ماده که نوشته شده است در تعیین حکم برواتی که عدم رجوعش را صاحب برات قید کرده است یا نکرده است و بواسطه عدم تعیین تکلیف در اینگونه برات و ابهام آن ماده ۲۴ اشکالات زیادی بین تجار داخله بانجبار و تجار تخرانهای خارجه پیدا می شود زیرا تجارت یک قانون بین المللی دارد که آنرا همانی و غیره همه قبول کرده اند از برای اینکه می توانند تجار را در رشته تجارت خارجه داخل شوند لازم است بقانون بین المللی رفتار شود درست است که اختیار در دست ما است یعنی اختیار وضع قوانین در دست مجلس است و می توانند همه جود وضع قوانین کنند لکن باید دانست که آن قانون مجری است در داخله و از سرحدات مملکت مانجاوز نخواهد کرد و تجارت مجبور است از سرحدات ما خارج نشود و اگر وضع قانونی را در جهت تجارت در مجلس شورای ملی بشود که مطابق با قانون تجارت بین المللی نباشد باید ضرری بآنها خارجه وارد نمیشود و ضرر بآنها داخله و تجارت داخلی ما وارد

حاج آقا - ماده ۲۴ قانون قبول و نکول بروات که از مجلس گذشت در اینجا یک نظر مخصوص بود در مقام قبولی نوشتن حواله بآن ترتیبی که در حواله شرعی است کسی از قبولی نوشتن ذمه بمجول علیه مشمول است و این ترتیبی که اینجا نوشته است ابتدا بر ترتیب شرعی نیست و بعد اشکالی که اینجا برز کرده این بود که در حوالجات تجارانی که تجار ایران با تجار تبه خارجه میکنند دچار اشکالات میشوند بجهت اینکه در قوانین بین المللی تجارانی اگر یک براتی را مجول علیه قبولی نوشت و سر موعه نداد ممکن است برگردد بیاید از حواله کننده اولی اخذ کند و فقط آن کسیکه دارنده برات است (پردست) میکند و آن حواله پیدا میشود بر برگردد و از آنجا میتواند اخذ کند و اینجا چون ما این ماده را نوشته بودیم تجار شرحی نوشته اند من جمله شرحی تومانیاس نوشته است که از اعضای کمیسیون عدلیه هستند و آن شرح مبنی بر این است که یک حواله از اینجا شده است به کمیسی در پاریس که طرف قبولی نوشته و سر موعه نماند و بر حسب آن قانون باید استرداد شده تارسیده است بیکی از حواله کنندگان و او ایا کرده است از دادن و اظهار کرده است باید بروی از برات دهنده بگیری این یک اسباب اشکال بزرگی بین تجار داخله و خارجه شده است و عدله ضررش به تجارت بخورد مخصوصاً به تجار داخلی وارد میشود با اینکه این حواله یک ترتیب شرعی نشده است تا اینکه بگوئیم که باید قبولی نویسنده بدهد و نوشتن قبولی او را یک الزامی شده است با و ذمه حواله دهنده بکلی بری است بواسطه اینکه آن شرایطی که در حواله شرعی است در اینجا نیست و نمیتوان گفت به مجرد نوشتن بقطعه براتی ذمه مجول علیه بری ذمه مجول علیه مشمول میشود و بنده اش تعلق می گیرد بجهت اینکه آن حواله شرعی که یکی از اقسام ضمان است بعمل نیامده بجهت اینکه ما معلوم بکنیم که نظر مجلس بحواله شرعی بوده است نوشتیم که اگر حواله کننده نوشت که من این حواله را میدهم لکن حق من آنرا نمیدهم و قید کرد که من باعتبار مجول علیه حواله میدهم دیگر ذمه من مشمول نخواهد بود یعنی اگر او رد کرد و قبول نکرد دیگر حق مراجعه به من نداشته باشی در این صورت ذمه مجول بری شده است و هیچ حقی در مقام رجوع باو ندارد ولی در زمینه ای که این شرط را نوشته است چون هیچ وجهی ما در اینجا نداریم از برای آن که ذمه او را بری بدانیم از این جهت مادام که آن حواله داده نشده است ذمه دهنده حواله مشمول است آن که حواله می گیرد در

میشود و همین جهت اسباب شکایت تجار شده و تجار از ما خواسته اند که این ماده ۲۴ را توضیح بفرمائید و وزارت عدلیه یک لایحه پیشنهاد کرده که این ماده را توضیح نمایند که این ماده در موضوع عدم رجوع است یا در موضوع مطلق برات است کمیسیون این شرح را بطوریکه شامل آن مواد بشود که عدم رجوعش را قید کرده یا قید نکرده نوشته است که هر گاه در برات عدم رجوعش را قید بکند که خواه قبولی نویسنده بدهد یا ندهد حق رجوع با دارنده باشد این در موضوع اد است مطابق قوانین بین المللی که عثمانی هم قبول کرده است که در صورتی که برات کننده عدم رجوع را قید نکرده باشد و برات قبولی نویسنده ندارد صاحب برات میتواند برگردد با دلی یعنی صاحب برات و تنبیه برات را داد قبولی نویسنده و قبولی نوشت در سر موعه نکول کرد صاحب برات برات را ببرد پروتست میکند بعد از پروتست کردن بر میگردد بحواله دهنده و در صورت تعدد بر میگردد با دلی و می تواند از آنها هم که واسطه بوده اند دریافت کند و آن کاغذی که از تجار تخران تومانیاس نوشته شده است خیلی مشکل است لکن حالا بنده بطور مثل عرض می-کنم یک برات دوهزار فرانکی یکی از تجار حواله کرده است بیکی از بانکهای فرانسه بموعه ۲۳ ماهه گیرنده برات مطابق معمول برات را در بگری فروخته و رجوعش را دریافت کرده و این مراتب ۱۷ دست گردش کرده تا بآن کسیکه باو حواله شده است رسیده او هم قبولی نوشته لکن سر موعه وجه را نداده است ملاحظاتی که ممکن است اتفاق بیفتد صاحب برات مطابق قوانینی که در فرانسه است و در همه جاهت برده با طاق تجارت پروتست کرده و پس از پروتست آن شخص آخری آن خسارتی که باو وارد شده است از سابق خودش دریافت کرده آنهم همین طور از سابق خودش دریافت کرده تارسیده است به برات هم دهنده برات هر دو تبه ایران هستند آن حواله دهنده از برای ظفره از دادن این بول این ماده ۲۴ را سد کرده میگوید مطابق قانون قبول و نکول بروات برود از بانک فرانسه مطالبه کند که این حواله را قبولی نوشته در صورتیکه این قانون قبول و نکول بروات در فرانسه ابتدا معمول نیست و اگر برود آنجا که کند گیرنده برات در آنجا محکوم خواهد شد علتش هم معلوم است بجهت اینکه کسیکه برات میخرد باعتبار آن کسی میخرد که برات را می دهد و آنکسی هم که قبولی می نویسد او هم باعتبار همانکس است یعنی همان حواله کننده که فلان مال التجاره حمل شد برای شما به از رسیدن تلگراف این حواله هم از او می رسد که فلان مبلغ به دارنده حواله کار سازی دارید این شخص هم حواله را قبولی می نویسد باعتبار آن مال التجاره که برای او حمل شده است یک وعده که در آن مدت آن مال-التجاره بیاید و او فروشد و از بول آن این حواله را ادا کند حالا ممکن است تا سر موعه از برای آن مال التجاره آفتی برسد مثلا دو کشتی فرق خودیا را اینکه بشکلی دیگر تلف شود حالا آن حواله دهنده

پیش این شخص پولی ندارد تا اینکه حواله او را ادا نماید در این صورت وقتیکه سر ووده دارنده حواله حواله را میآورد او نکول میکند این صحیح هم هست و مطابق قوانین که در تجارتخانه ها مجری است این را می بینند و یک اشکال دیگری از برای عموم در داخله ممکن است پیدا شود زیرا بموجب این قانون ذمه حواله کننده بعد از قبولی نوشتن معال علیه بری خواهد بود و ذمه معال علیه بعد از قبولی نوشتن مشمول خواهد شد در این صورت ممکن است یک شخص بی اعتباری یا یک شخص با یک اعتبار تر از خودش تجارتی کند یکی برود باصفهان یا یکی از شهر های دیگر خودش هم در طهران یا یک شهر دیگری باشد و ممکن است پنج کرور ده کرور حواله بدهد یا شخصیکه در اصفهان نام دارد بر یک مومعه معین و در روز قبل از رسیدن موعده آن شخصیکه قبولی نوشته است فرار میکند و مقفود الاثر میشود و مطابق این ماده هم ذمه حواله دهنده بری است و ذمه حواله کرده شده باو که قبولی نوشته است مشمول است ببنیاد اشخاصی که این پولها را دادند چه حالی خواهند داشت اگر این قانون توضیح نشود این عنوانی که عرض کردم از برای تجارت ما فراهم خواهد شد و این بیچاره ها دچار این محظورات خواهند شد و بالاخره باید تجارت دست از برات خری و برات فروشی بردارند یعنی از کلیه تجارت صرف نظر کنند و ما چیزی بآن نفوذ داریم و نکات است این شرط در موضوع قبولی نویسنده وقتی صدق میکند که در برات عدم رجوع بقصد صریحاً قید کرده باشد زیرا آن گیرنده برات باعتبار بنده که حواله میکند برات را قبول میکند وقتیکه دیدنده برات عدم رجوع بقودش را میکند و حواله میگیرد والا نمی گیرد و در آخر عرایض عرض میکنم که آقایان باید ملتفت باشند تجارت بین المللی است باید متوجه این باشیم که یک قانونی وضع کنیم که در سایر جاها هم ممکن الا را باشد و حال اینکه اگر در داخله مملکت خودمان هم این قانون مجری باشد و فقط برای مملکت خودمان این قانون را وضع کرده باشیم تجار بهین محظوراتی که عرض شد دچار خواهند شد و تمام سرمایه شان هم از دست خواهد رفت .

حاج امام جمعه - این برائاتی که معمول تجار ما است که بفلان جا بفلان حواله میکنند مدامی که پول صاحب پول نرسد ذمه حواله کننده بری نخواهد بود قبولی نوشته ذمه او را بری نمیکند اما اینکه اظهار کردند قید عدم رجوع را میکنند در این صورت حواله گیرنده حق ندارد رجوع بحواله دهنده بنماید این هم ایراد نیست ایراد رسپن پول است خواه قید رجوع بکنیم خواه قید عدم رجوع را بکنیم ذمه او بری نخواهد بود مادامیکه معال علیه پول را نداده است ذمه حواله کننده بری نخواهد بود و این جای تردید نیست که باید ادا کند .

مشیرالدوله - بنده هم میخواهم همین فرمایش آقای امام جمعه را عرض کنم مقصود اینجا این است که بعضی تصور کرده اند که از ماده ۶ قانون قبول و نکول برات چنین معلوم میشود که اگر کسی حواله کرد و طرف قبولی نوشت ذمه حواله کننده بری میشود و صاحب برات باید از کسی که آن حواله را قبولی نوشته است مطالبه کند در صورتی که همانطور که فرمودند مادامیکه برات پولش وصول نشده است میتوان از نام آن و سایر مطالبه بکنند علیحده و در صورتی که وجه بدارنده برات نرسیده است ایادی و اشخاصی که بعد دیگر حواله کرده اند مشمول میباشد این در صورتیکه بین حواله دهنده و حواله گیرنده یک صیغه خواننده نشده باشد ولی اینکه در ماده ۶ فهمیده میشود که حق رجوع بحواله دهنده ندارد در صورتیکه بین حواله دهنده و حواله گیرنده یک صیغه خواننده شده باشد و یک ماهه شده باشد که اگر طرف پول را نداد حق رجوع بحواله دهنده نداشته باشد و چیزی که در اینجا نوشته شده است در ماده ۶ که سابقاً نوشتیم نیست این است که حواله کننده عدم رجوع را قید بکند چون کسیکه از اینجا حواله باصفهان میگیرد که حواله کننده بنویسد اگر طرف من در اصفهان این وجه را نداد توجع رجوع بن نداری ابدأ حواله گیرنده قبول نخواهد کرد او هم نخواهد نوشت پس ساکت که گذاشت بدیهی است بموجب این قانون در صورت ادا نشدن وجه صاحب برات حق مطالبه از ذمه برات را ندارد

هشترودی - این اشکالات از ماده اول ناشی شده است و این فرمایشات هیچ کدام صحیح نیست و عرض میکنم چون ما باب برات را باب حواله قرار داده ایم از اینجا اشکال ناشی میشود چون وقتی که برات را حواله قرار دادیم آنوقت دیگر فرمایش آقای امام جمعه درست نمیشود بعد از اینکه حواله دهنده حواله داد و آن کسیکه باو حواله شده است قبول کرد دیگر ذمه حواله دهنده بری است حواله این شکل است مگر اینکه حواله حواله غیر شرعی باشد و بآن ترتیبات در این صورت یک چیزی درست کنید که داخل عنوانین شرعی نشود والا حواله را من خودم قبول کرده ام که از طرف بگیرم یا بگیرم تو حواله بدی من از طرف بگیرم وقتیکه او حواله کرد و طرف قبول کرد و من هم قبول کردم که از طرف بگیرم دیگر ذمه حواله کننده بری خواهد شد این اتفاق تمام امامیه است که ضم ذمه بنده دیگر نمی شود .

حاج امام جمعه - این مسئله حواله است مسئله ضمان اشتباه نشود .

هشترودی - من عرض میکنم باب حواله است و باب حواله در کتب فقهیه معلوم است این دیگر چیزی نیست که من در بیستم بگذارم و هر کسی میخواهد اطلاع پیدا کند بر میدارد می بیند این یک مسئله اجتهادی است که من اول العلماء الی زمان ما از اسلام است یکی این است که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که بحواله کننده رجوع کنیم باب برات باید دانست نه اینکه بگوئیم باب برات من البابت الی المحراب باب حواله است یکی آن است که باب برات باب حواله نیست آنرا میتوان بپولی رجوع کرد

سلیمان میرزا - اینکه آقای امام جمعه میفرمایند فرمودند که اگر دوست تأمل کنیم در ضمن بیانات خودشان راپورت کمیسیون را تصدیق کردند و این شکلی را که فرمودند صیغه خواننده شود تصور میکنم از موضوع خارج باشد زیرا معمول تجارت این نیست که فرض فرمودند فرضی که فرمودند این بود که سه نفری حاضر باشند یکی از یکی طلب داشته باشد و دیگری مدیون باشد این به کار اولی میگوید من قبول میکنم و از بابت طلب خودم از تو محسوب می دارم صیغه هم بین آنها خواننده میشود یا بعد از حواله و قبولی کردن طرف اکتفا میشود در این صورت ذمه حواله کننده اولی بعضی حواله و قبول کردن طرف بری میشود اما این مسئله در معاملات برات تجارتی هرگز اتفاق نیافتد که یک چنین مقابله و مواجهه مثلثه واقع شود و در هزار تومان معاملات یک تومان بترتیب مواجهه مثلثه واقع نمیشود و بنده شرحی عرض کردم که تجار داخلی هم اظهار کردند و شکایت دارند و تمام ترتیبات برات تجارانی میرانش اینست که یک تاجر از این شهر بشهر دیگری براتی میکند بعد سه ماه و این مدت وعده برای اینست که مال التجاره ای که برای او می فرستد فروش رفت از آن محل آن برات را ادا نماید ممکن است که آن مال التجاره تلف شده آن برات چنانچه اتفاق افتاده در شود در این صورت آیا بعده کسب بدیهی است ذمه برات کننده مشمول است و آن کسی که برات می خرد با اعتبار برات دهنده میخرد آن وعده میگذازد برای چیست برای اینست که پول باورسد و آن سه ماه که قبولی نویسنده مدت قرار میدهد برای چیست برای این است که پولی بیش از نداشته منتظر است پولی از حواله کنند تحصیل کند حالا حواله کننده تفرقاتی کرده که فلان مال التجاره قبولی نوشته اگر چنانچه عرض شد مال التجاره باو نرسید آیا ذمه او مشمول آن وجه است که قبولی او را نوشته قطعاً مشمول نخواهد بود مشمول چه چیز است که باور رسیده بود مقروض میشد در صورتی که چیزی باو نرسیده است بجه مقروض است قرض وقوع پیدا نکرده و اصلاً ذمه اش بری بوده و آن قبولی که نوشته در واقع اینست که اگر فلان شرط موجود شد من مقروض میشوم و وقتیکه آن شرط موجود نشد او مشمول نیست دیگر اینکه عرض کردم مطابق قوانین تجارتی سایر ممالک هم هست و این یک قانون بین المللی است و باید ما هم قانونی وضع میکنیم مطابق بآن قوانین نکنند این را هم عرض میکنم نه اینکه مجبوریم در عمل کردن مطابق آنچه دیگران قبول کرده اند خیر مجبوریتی در بین نیست کمال اختیار را داریم و می توانیم از برای مملکت خودمان همه قسم قوانین وضع بکنیم میتوانیم بگوئیم قبولی نویسنده باید در هر صورت بعد از نوشتن قبولی وجه را بدهد صد تا زانه هم بخورد لکن عرض کردم این قانون از سرحدات مملکت ما تجاوز نخواهد کرد و تجارت

معین الرعایا - آنکه آقای فرمودند تصدیق میکنم اگر تأمل کنیم شخصی که حواله داده مادام که طرف قبولی ننوشته است ملزم است باده آن و این وجه به ذمه او است اما وقتیکه طرف قبولی نوشت از ذمه حواله کننده خارج میشود و این مخالف است با فرمایش آقای امام جمعه که میفرمایند مادامیکه وجه برات را قبولی نویسنده نداده است در ذمه حواله دهنده است و اینکه می گویند عدم رجوع یا رجوع قید شود بنده عرض میکنم این برات نمیشود اگر بگوید حواله کننده در صورتیکه طرف نداد حق رجوع به من نداری کسی نخواهد خرید و برات نخواهد باشد و اینکه شاهزاده سلیمان میرزا میفرمایند که ملاحظه محاسبات خارجه را هم باید کرد در سایر ممالک هم معمول است بنده منکر این هستم گمان نمی کنم در هیچ جای عالم چنین چیزی میفرمایند باشد بجهت اینکه در خارج وقتیکه برات را قبولی نوشتند ممکن نیست دیگر ندهند مگر وقتیکه ورشکست شوند و الا مادام که ورشکست نشده اند ممکن نیست تجاری برات قبولی نوشته خود را ندهند و اینهم که آخرش نوشته است که شارالیه مغنازات که مستقیماً از حواله کننده اولی یا قبولی نویسنده وجه برات را دریافت نمایند اینهم مجمل است باید معین کرد که از کدام یک بگیرد بجهت اینکه این یک اختیاری است که بدارنده برات میدهند و اسباب ذمعت میشود .

سلیمان هورزا - بنده توضیحاً عرض کنم اینکه فرمودند در خارجه اینطور نیست این قیاس مقابل نیست آن الان بیست هزار فرانک بخارجه حواله شده است یعنی بیست فرانسه و آن حواله نکول شده است و دارنده برات برده یا دست کرده و بر گفته است و تمام ایادی سابقه تمام خسارانی که بر آنها وارد شده است از دیگران گرفته اند و الا یکی از دوستان اداره نوامینا رسید رسیده است که از حواله کننده می خواهد بگیرد و او متعسک است بهین ماده ۶ در دهریکه است الان مطرح گفتگو است و از ما تکلیف خواسته اند و این الان موجود است تا بی آنکه قوانین عثمانی و فرانسه الان در کمیسیون عدلیه حاضر است تشریف بیاورند ملاحظه فرمایند که همین طور آنها هم قبولی کرده اند یا خیر تمام نظریاتی که عرض شد تمام در آنجا هاهم هست و تمام نظریات آنها هم همین است که کسی که پول داده است بپولش برسد و همین وسیله تسهیل امور تجارتی شده تجارت رواج باشد والا اگر من مترازل باشم که بپولی داده ام و یک تنگه کاغذی گرفته ام آن وقت سر موهه نکول کند بگویند من باعتقاد فلان مال التجاره این را قبول نوشته ام و آن بمن نرسیده است او هم بپسیر پروتست کند لکن نوشتن هیچ جا بند نباشد و بگوئیم ذمه مجال علیه بری است باین ترتیب ممکن است ده کرور مال مردم در یک مدت از بین برود چنانچه عرض کردم ممکن است دوقتر با هم مخصوصاً مواضعه کنند و ده کرور یا پنج کرور بستاند بزرگی او در تقلب است از مردم بگیرد و حواله بطرف بنده ده روز مانده پس وعده طرف قرار کند از حواله دهنده که مطالبه کنند خواهد گفت مطابق ماده ۶ قانون برات بروید از او مطالبه کنید .

آقا محمد پرو و جردی - در اینجا سه چهار مطلب مختلف با هم مخلوط شد و این را باید از هم تفکیک کرد اینکه میفرمایند برات براس از اینکه معال علیه قبولی نوشت ذمه او بری میشود اینطور نیست در مسائل شرعیه جزیمنون حواله چیزی دیگر نمیشود فرزند است بجهت اینکه در حواله شرعیه یک معال علیه است معال است یک معال است یک معال علیه است و وقتی ذمه معال بری میشود که مواجهه مثلثه بعمل آمده باشد و معال علیه قبول کند که از معال علیه دریافت کنند در صورتیکه معال علیه طلبی از معال له داشته باشد در این صورت بعضی اینکه معال له قبول کرد که از معال علیه دریافت نماید در این صورت قبولی نوشتن هم لازم ندارد ذمه معال بری میشود چه معال بنده آن وجه را بمعال علیه چه ندهد معال بنده که او حضوراً گفت من قبول دارم ذمه او بری میشود و ذمه معال علیه مشمول میشود اما در برات بطوریکه گفته اند در اینجا معال علیه مشمول بد یعنی نیست و وقتیکه برات را قبولی بنویسد بفلان وعده در واقع وعده میکند که من ذمه معال را بری خواهم کرد و سر موهه اگر وجهی باو نرسیده باشد آن وقت نکول میکند این ابدأ ذمه معال بری نخواهد کرد در رجبانی وارد نمیآید و مخالف با هیچ قانونی هم نیست .

حاج امام جمعه - بنده تصور کردم که اغلب مطالب واضح است خواستم مختصر عرض کنم حالا می بینم اشتباهات بزرگ میشود لازم است تهریح کنم اینجا سه مسئله است یکی ضمان است ضمان آن است که بنده کسی مقروض هستم دیگری میآید نزد طلب کار قبول میکند که فرض را ادا نماید این ضمان است و در اینجا بین فرق اسلام قدری اختلاف است که آیا هر دو با هم اشتغال ذمه دارند یا از ذمه مقضون عنه خارج میشود و بنده ضمان تلقی میگردد باهمن ذمه مقضون عنه مشمول است معروف بین علمه آن است که ضمان و مقضون عنه هر دو مساوی هستند لکن امامیه میگویند از ذمه مقضون این رفت به ذمه ضمان یک مسئله است یکی هم حواله شرعیه است که آن تجارت از این است که سه نفر در یک جا جمع شوند یکی از بابت طلب خودش به یکی حواله میکند معال علیه هم قبول میکند آنوقت آن دین از ذمه آن بر میگردد به ذمه معال علیه ولی من تعجب میکنم و گمانی نداشته ام که کسی تصور بکند برات تجارتی جز یکی از این قسم است هیچ عوام این را نمی توانند تصور بکنند که اگر در اتصی بلاد هندوستان حواله بدهد یکی در تهران اینکه در طهران است ذمه اش مشمول باشد چون تصور نمی کردیم هیچیک چنین چیزی را تصور بکنند این بود که این را توضیح نکردم و یک کلمه هم مشیر الدوله گفت که اگر این حواله دست بدست برود که هر یک دیگری حواله کند در این صورت دارنده حواله از هر کدام که بخواهد می تواند مطالبه کند بپه اگر او یکی حواله میکند او دیگری او دیگری هر یک از آنها که دادند ذمه حواله کننده اولی بری خواهد شد اگر داده نشد او بر میگردد باولی تسلط آن پول دهنده باولی است و خیلی نوحسین میکنم آنرا که آقای آقا محمد پرو بیان کردند و اینکه گفته شد ضم ذمه بنده دیگر نمی شود این در ایادی خاصه است مسئله دیگری است خارج از این موضوع .

حاج آقا - مسئله خیلی دامنه پیدا کرده و خیلی کلی شد در صورتیکه این محتاج باین قسم مذاکرات نبود بجهت اینکه این یک چیزی نبود که مخالف یک قانون باشد و رفاهیت عمومی هم در آن هست معلوم است ترتیبات شریعی هم باین ازان بیاناتی که شد درست است و در خصوص مواجعه مثلثه هم مذاکره نمیکنم بجهت اینکه این یک موضوعی است که در بین فقهاء اسلام خیلی محل گفتگو است از این جهت عرض میکنم چه در حواله شرعی مواجعه مثلثه شرط باشد چه نباشد چه حواله ضمان بیاورد چه ضمان نیاید تمام این صور برات تجارتی شرعی است ولی میخواستم این را عرض کنم که آقای امام جمعه فرمودند مراد به تمدد آنست که من حواله کنم بیک کسی و آن حواله کند بکسی دیگر باز این معال میشود در این صورت تمامشان اشتغال ذمه با داده تمام این وجه دارند براتی ندارند باینکه اولی پول گرفته است تمام اینها پول گرفته اند چه از بابت مبادیه باشد چه از بابت گرفتن یک حق و دادن بدیگری در هر باب که باشد اینها این برات را داده اند و پول گرفته اند بدیهی است که آن کسیکه آخر واقع شده حواله بصفت است می تواند بآن قبول خود رجوع کند برای اینکه این ذمه است و ذمه تمامشان مشمول است و من از هر کدام که بخواهم می توانم بگیرم و اشکال شرعی هم ندارد و بعد از آنکه گفته شد قانون عثمانی و فرانسه در کمیسیون عدلیه هست هر کس می خواهد ببنده اینجا رجوع کند گمان میکنم هیچ اشکالی نداشته باشد ولی کل تقدیر اینها یک مبادیه کرده اند این برات را بدیاید مشمول الذمه هستند و هر کدام از هر کدام وجه برات را مطالبه نمایند دیگر اسباب گفتگویی نیست مطلب خیلی واضح است تصور میکنم در اینجا این ماده بطوریکه نوشته شده بگذرد .

رئیس - این شور اول این ماده است شور ثانیه هم خواهد شد حالا ده دقیقه تنفس است (رئیس حرکت کرد مجلس متفرق شد)

رئیس - خبلی خوب رجوع میکنم به کمیسیون بودجه .

رئیس - خبلی خوب رجوع میکنم به کمیسیون بودجه .

رئیس - خبلی خوب رجوع میکنم به کمیسیون بودجه .

رئیس - خبلی خوب رجوع میکنم به کمیسیون بودجه .